

تبیین اثرات کاهش تعداد صفرهای واحد پولی

بر حسابداری و گزارشگری مالی



ID

یاسر
صادقی



ID

مزگان
صفا



ID

**
سیدعباس
برهانی



ID

*
سمیرا
عباسی

| فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی | شماره ۱۲۰ | دوره ۳۰ | پاییز ۱۴۰۵ | ۱۶۹-۲۱۱ |

<https://doi.org/10.22034/ijts.2026.2085208.4243>

| دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۲ | بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ | پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ |

کلیدواژه‌ها

کاهش صفرهای واحدهای / گزارشگری مالی / واحد اندازه‌گیری حسابداری / کیفیت اطلاعات مالی.

چکیده

کاهش صفرهای واحد پولی اگرچه در تئوری‌های پولی تغییری اسمی تلقی می‌شود، اما در ساحت حسابداری پیامدهای پیچیده‌ای بر کیفیت گزارشگری و شفافیت اطلاعات دارد. هدف این پژوهش، شناسایی و تبیین اثرات حذف صفرهای پولی بر نظام حسابداری ایران با رویکرد آمیخته است. در بخش کیفی، ۱۰ مقوله محوری از طریق تحلیل محتوای مصاحبه با ۱۵ خبره استخراج شد که روایی آن‌ها با مدل لاوشه ($CVR > 0.49$) و پایایی با ضریب کاپای کوهن (۰.۷۶۶) تأیید گردید. در بخش کمی، مدل استخراج شده توسط ۳۸۵ حسابرِس و باروش مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) آزمون شد و برازش مطلوب مدل با شاخص‌های ($RMSEA = 0.074$) و ($CFI = 0.900$) اثبات شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که قوی‌ترین رابطه معنادار بین واحد اندازه‌گیری و

samira.abasi@iau.ac.ir
sa.sborhani1352@iau.ac.ir
dr.mojgansafa@iau.ac.ir
yaser.sadeghi6729@iau.ac.ir

* گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
** گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
*** گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
**** گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
■ سیدعباس برهانی، نویسنده مسئول



کاهش کیفیت گزارشگری ($r=0.899$) برقرار است و تغییر مقیاس پولی منجر به افزایش ریسک تحریف اطلاعات ($r=0.779$) و تضعیف قابلیت مقایسه داده‌های تاریخی می‌شود. همچنین، تأیید اثرات رفتاری مؤید وقوع پدیده توهم پولی در میان استفاده‌کنندگان است. نتایج حاکی از آن است که ناهماهنگی بین نهادهای پولی و مراجع استانداردگذار، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را تضعیف کرده و ریسک تجدید ارائه‌های مکرر را افزایش می‌دهد. نتیجه‌گیری پژوهش تأکید می‌کند که موفقیت این سیاست منوط به ارتقای زیرساخت‌های حسابداری، تدوین چارچوب‌های افشای جامع برای تعدیل ارقام مقایسه‌ای و هماهنگی میان سیاست‌های پولی و استانداردهای حسابداری است تا از افت شفافیت و گمراهی ذینفعان در بازار سرمایه جلوگیری شود.

JEL: M21-M40-M41-M42-M48 طبقه‌بندی



Explaining the Effects of Currency Redenomination (Deletion of Zeros) on Accounting and Financial Reporting

Samira Abasi, Department of Accounting, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran. 

Seyyed Abas Borhani, Department of Accounting, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding author) 

Mojgan Safa, Department of Accounting, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran. 

Yaser sadeghi, Department of Accounting, Qo.C, Islamic Azad University, Qom, Iran. 

Vol 30, No. 120, Autumn 2026

Journal of Trade Studies (JTS)

 <https://doi.org/10.22034/ijts.2026.2085208.4243>

| Received: 11 Feb. 2026 | Revised: 01 June. 2026 | Accepted: 18 July. 2026 |

Abstract

Although currency redenomination is theoretically regarded as a nominal adjustment, it has complex implications for accounting and affects the quality of financial reporting and information transparency. This study aims to identify and explain the effects of deleting currency zeros on the Iranian accounting system using a mixed-methods approach. In the qualitative phase, 10 core categories were identified through content analysis of interviews with 15 experts. Their validity was confirmed using Lawshe's Content Validity Ratio ($CVR > 0.49$), and their reliability was established using Cohen's Kappa coefficient (0.766). In the quantitative phase, the developed model was tested with 385 auditors using Structural Equation Modeling (SEM), and the model demonstrated a good fit based on the fit indices ($RMSEA = 0.074$ and $CFI = 0.900$). The findings showed that the strongest significant relationship was between the unit of measurement and the reduction in reporting quality ($r = 0.899$), while a change in the monetary scale increased the risk of information misstatement ($r = 0.779$) and weakened the comparability of historical data. In addition, the confirmation of behavioral effects indicated the occurrence of money illusion among users. The results indicate that inconsistencies between monetary institutions and accounting standard-setting authorities weaken the comparability of financial statements and increase the risk of repeated restatements. The study concludes that the success of this policy depends on strengthening accounting infrastructure, developing comprehensive disclosure frameworks for adjusting comparative figures, and ensuring coordination between monetary policies and accounting standards, thereby preventing declines in transparency and the misleading of stakeholders in the capital market.

sa.sborhani1352@iau.ac.ir

JEL Classification: M21–M40–M41–M42–M48

Keywords: Currency redenomination, Financial reporting, Accounting measurement unit, Financial information quality, Disclosure.

Data Availability: The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest: The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

در سال‌های اخیر، کاهش تعداد صفرهای یک واحد پول به عنوان یک ابزار سیاست پولی در بسیاری از کشورها، به ویژه اقتصادهای در حال توسعه و کشورهایی که با تورم مزمن مواجه بوده‌اند، مورد توجه قرار گرفته است. از بعد اجتماعی تورم عاملی مهم در افزایش شکاف طبقاتی است.^۱ در همین راستا نقش عوامل مالی در مکانیسم انتقال و شدت اثرگذاری سیاست پولی توسط سیاست‌گذار بسیار اهمیت دارد.^۲ سیاست پولی به مجموعه تدابیر و تصمیماتی اطلاق می‌شود که سیاست‌گذار در راستای تحقق اهداف اقتصادی برای کنترل و تنظیم حجم و یا عرضه پول و اعتبار اتخاذ می‌کند.^۳ این سیاست عموماً به معنای بازتعریف ارزش اسمی پول ملی با حذف یک یا چند صفر از آن، بدون تغییر قدرت خرید واقعی پول یا ارزش اقتصادی دارایی‌ها و بدهی‌ها است. هدف اصلی از اجرای این سیاست، ساده‌سازی محاسبات پولی، کاهش حجم اسمی ارقام، تسهیل معاملات اقتصادی و بهبود کارایی سیستم‌های مالی و پولی است.^۴

طبق ادبیات اقتصادی، کاهش تعداد صفرها در یک واحد پولی اغلب در شرایطی اجرا می‌شود که تورم‌های متوالی باعث افزایش ارزش اسمی پول شده و عملکرد پول به عنوان واحد ارزش، واسطه مبادله و مبنای ثبت اطلاعات اقتصادی تضعیف شود. برخی از پژوهشگران معتقدند که مهم‌ترین کاربرد حذف صفر در اقتصاد حفظ ارزش پول ملی است. حذف صفر از پول ملی بیش از آنکه یک اقدام سیاسی از طرف دولت‌ها باشد یک اقدام فنی و کارشناسی است و بخشی از بسته اصلاحات اقتصادی به شمار می‌رود.^۵ در چنین شرایطی، حذف صفرها می‌تواند به بهبود نظم اسمی اقتصاد و افزایش خوانایی ارقام مالی کمک کند، اگرچه به تنهایی قادر به حل مشکلات ساختاری اقتصاد نخواهد بود.^۶ تجربه کشورهایی مانند ترکیه و برخی از اقتصادهای آمریکای لاتین نشان می‌دهد که موفقیت این سیاست تا حد زیادی به هماهنگی آن با اصلاحات پولی، مالی و نهادی بستگی دارد.^۷ با این حال، بسیاری از تحقیقات پیشین بر اثرات کلان اقتصادی حذف صفرهای پولی، مانند تورم، نرخ ارز و اعتماد عمومی، متمرکز بوده‌اند و پیامدهای آن برای حسابداری و گزارشگری مالی کمتر به طور سیستماتیک بررسی شده است. این در حالی است که حسابداری، به عنوان زبان رسمی گزارشگری فعالیت‌های اقتصادی، نقش کلیدی در انتقال اثرات این سیاست به ذینفعان مختلف دارد. از دیدگاه نظری، حذف صفرها در یک واحد پول، تغییر در مقیاس اندازه‌گیری اسمی تلقی می‌شود و نه تغییر در واقعیت

۱. مهربانی، ۱۳۸۹.

۲. رفیعی قره‌شیران و همکاران، ۱۳۹۸.

۳. رجانی و همکاران، ۱۳۹۹.

4. Mosley, 2005

۵. احمدی، ۱۳۹۳.

6. Sargent, 1982; Eichengreen, 2008

7. Mosley, 2005



اقتصادی معاملات. طبق چارچوب نظری گزارشگری مالی، هدف صورت‌های مالی ارائه اطلاعاتی است که منعکس‌کننده ماهیت اقتصادی رویدادها باشد و برای تصمیم‌گیری کاربران مفید باشد.^۱ بر این اساس، تغییر در واحد پول گزارشگری نباید منجر به شناسایی سود یا زیان واقعی شود، بلکه فقط نحوه ارائه ارقام را تغییر می‌دهد. استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، به ویژه استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره^۲ (۲۱)، مفاهیم مربوط به واحد پول عملیاتی و واحد پول ارائه را توضیح می‌دهند و اگرچه مستقیماً به کاهش تعداد صفرها در واحد پول محلی نمی‌پردازند، اما مبنای مفهومی لازم برای تجزیه و تحلیل اثرات تغییر واحد پول بر گزارشگری مالی را فراهم می‌کنند. در این چارچوب، هرگونه تغییر در واحد پول ارائه مستلزم افشای شفاف و حفظ قابلیت مقایسه اطلاعات مالی است.^۳

مطالعات حسابداری نشان می‌دهد که تغییرات در مقیاس گزارشگری، حتی اگر هیچ تغییری در ارزش واقعی اقلام ایجاد نشود، می‌تواند بر کیفیت اطلاعات مالی، برداشت کاربران و فرآیند تحلیل مالی تأثیر بگذارد.^۴ بنابراین، حذف صفرهای پولی فقط یک اقدام فنی ساده نیست، بلکه نیاز به بازنگری در فرآیندهای حسابداری و گزارشگری دارد.

ماهیت پول از کارکردهای آن مجزا نیست و ماهیت حقوقی وسیع پول از کارکردهای متعدد آن قابل شناسایی است.^۵ اهمیت بررسی اثرات حذف صفرهای یک واحد پولی بر حسابداری و گزارشگری مالی را می‌توان از چندین منظر بررسی کرد. اول، صورت‌های مالی مبنای اصلی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، طلبکاران و سایر ذینفعان هستند و هرگونه تغییر در واحد پولی گزارشگری می‌تواند بر برداشت کاربران از وضعیت مالی و عملکرد یک واحد تجاری تأثیر بگذارد.^۶ کاهش قابل توجه در ارقام اسمی دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمدها و هزینه‌ها، در صورت عدم افشای کافی، ممکن است به اشتباه به عنوان بهبود یا تضعیف عملکرد مالی تعبیر شود. دوم، اجرای کاهش تعداد صفرهای یک واحد پولی مستلزم تطبیق گسترده سیستم‌های حسابداری، نرم‌افزارهای مالی و کنترل‌های داخلی است. تحقیقات نشان می‌دهد که در دوره‌های گذار، احتمال ثبت خطاها، گزارش‌های نادرست و قابلیت اطمینان ضعیف اطلاعات مالی، به ویژه در کشورهایی با زیرساخت‌های حسابداری و نظارتی محدود، افزایش می‌یابد.^۷ این امر می‌تواند اعتماد کاربران به صورت‌های مالی را کاهش دهد. سوم، از دیدگاه استانداردسازی و کیفیت گزارشگری، حذف صفرهای پولی

1. Deegan, 2017

2. IAS 21

3. Barth et al, 2008

4. Gnan & Valderrama, 2012

۵. اسکندری پسیان و همکاران، ۱۴۰۲

6. Deegan, 2017

7. Iyoha & Oyerinde, 2010

می‌تواند بر قابلیت مقایسه اطلاعات مالی در طول زمان تأثیر بگذارد. اگر ارقام مقایسه‌ای به درستی تعدیل نشوند، تحلیل روندها و نسبت‌های مالی تحریف خواهد شد و تصمیمات اقتصادی بر اساس اطلاعات نادرست گرفته خواهد شد.^۱

مکانیسم کاهش صفر (اصلاح واحد پول) فرآیندی است که طی آن نسبت برابری پول ملی با ارزش‌های خارجی و دارایی‌ها تغییر نمی‌کند، بلکه فقط واحد بیان پول کاهش می‌یابد. این فرآیند معمولاً شامل سه مرحله اصلی است: ۱. مرحله مقدماتی: تدوین قوانین و هماهنگی با استانداردهای حسابداری برای بررسی ارقام مقایسه‌ای. ۲. مرحله انتقال (گردش دوگانه): گردش همزمان واحدهای قدیمی و جدید، که در این مرحله خطر اختلاط واحد اندازه‌گیری در حسابداری به اوج خود می‌رسد. ۳. مرحله تثبیت: حذف کامل واحد قدیمی. از منظر اقتصادی، این اقدام با کاهش حجم اسکناس و سکه، هزینه‌های معاملاتی را کاهش داده و مدیریت نقدینگی را تسهیل می‌کند. با این حال، مکانیسم انتقال آن به گزارشگری مالی از طریق ضرب تبدیل اسمی است که در آن همه اقلام ترازنامه و سود و زیان باید بر یک ضریب ثابت (مثلاً ۱۰۰۰۰) تقسیم شوند. اگر این مکانیسم با پدیده چسبندگی قیمت‌ها مواجه شود، منجر به عدم تطابق بین ارزش دفتری و ارزش منصفانه دارایی‌ها می‌شود.^۲

همانطور که پیش‌تر بر آن تأکید شد، فرآیند حذف صفرها در یک واحد پول، چالش‌هایی را برای گزارشگری مالی ایجاد می‌کند. یکی از چالش‌های اصلی، ارائه مجدد صورت‌های مالی برای دوره‌های قبلی است. معمولاً شرکت‌ها هنگام اصلاح اشتباهات دوره‌های گذشته یا تغییر رویه‌های حسابداری باید صورتهای مالی مقایسه‌ای را تجدید ارائه کنند. تجدید ارائه صورتهای مالی بر مربوط بودن و توان اتکای اطلاعات صورتهای مالی اثر منفی دارد.^۳ برای حفظ قابلیت مقایسه، همه ارقام مقایسه‌ای باید با ضریب کاهش صفر تعدیل شوند. در غیر این صورت، تحلیلگران مالی و حساب‌رسان با داده‌هایی مواجه خواهند شد که از نظر اسمی قابل مقایسه نیستند.^۴ چالش دیگر، اثرات رفتاری و ادراکی تغییرات اسمی است. مطالعات نشان داده‌اند که تغییرات ظاهری در ارقام پولی می‌تواند بر انتظارات و قضاوت‌های اقتصادی افراد تأثیر بگذارد، حتی اگر واقعیت اقتصادی ثابت بماند.^۵ این امر نیاز به افشای دقیق و شفاف تغییرات در یادداشت‌های توضیحی صورتهای مالی را تقویت می‌کند.

با توجه به مطالب فوق، اگرچه کاهش صفرها در یک واحد پولی از دیدگاه اقتصادی یک تغییر اسمی تلقی می‌شود، اما از دیدگاه حسابداری و گزارشگری مالی، این سیاست می‌تواند پیامدهای قابل توجهی

1. Barth et al, 2008

2. Dumas et al, 2022

4. Gnan & Valderrama, 2012

5. Mosley, 2005

۳. نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۱



برای کیفیت، شفافیت، مقایسه‌پذیری و قابلیت اتکای اطلاعات مالی داشته باشد. مسئله اصلی این تحقیق این است که: کاهش تعداد صفرهای واحد پولی چه اثراتی بر فرآیندهای حسابداری و گزارشگری مالی دارد و این اثرات چگونه می‌توانند بر کیفیت اطلاعات مالی و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تأثیر بگذارند؟ بررسی این مسئله می‌تواند به پر کردن خلأ موجود در ادبیات حسابداری کمک کرده و چارچوبی تحلیلی برای مدیران مالی، حساب‌رسان و سیاست‌گذاران فراهم آورد تا در صورت اجرای سیاست حذف صفرهای پولی، از بروز اختلال در گزارشگری مالی و کاهش کیفیت اطلاعات جلوگیری شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. کاهش صفرهای واحد پولی

کاهش صفرهای واحد پولی^۱ به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن، واحد پولی یک کشور با حذف یک یا چند صفر از پول رایج، اقدام به بازتعریف اسمی واحد پول ملی می‌نماید. در این فرآیند، واحد پول جدید با یک ضریب ثابت جایگزین می‌شود، به طوری که تمام قیمت‌ها، دستمزدها، دارایی‌ها و بدهی‌ها به همان نسبت تعدیل می‌شوند. نکته کلیدی در این سیاست این است که اصلاحات واحد پولی ذاتاً یک تغییر اسمی است و نباید منجر به تغییر در قدرت خرید واقعی پول یا متغیرهای واقعی اقتصادی شود.^۲ از منظر نظریه‌های پولی، کاهش صفرهای واحد پولی اغلب در شرایطی مطرح می‌شود که تورم‌های مزمن و انباشته، موجب بزرگ شدن بیش از حد ارقام اسمی پول شده و کارکرد پول به عنوان واحد سنجش ارزش را مختل کرده است.^۳ تورم بالا، همواره به عنوان یکی از مشخصات اقتصادهای در حال توسعه (از جمله ایران) مطرح بوده و دارای آثار وسیع اقتصادی و اجتماعی است.^۴ در چنین شرایطی، ارقام بزرگ نه تنها محاسبات اقتصادی را دشوار می‌سازند، بلکه می‌توانند موجب کاهش شفافیت اطلاعات مالی و افزایش خطاهای پردازی شوند. کاهش صفرها در این چارچوب، ابزاری برای بازسازی نظم اسمی اقتصاد و افزایش کارایی مبادلات پولی تلقی می‌شود.^۵

تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که کاهش صفرهای واحد پول به تنهایی قادر به مهار تورم یا ایجاد ثبات اقتصادی پایدار نیست، بلکه موفقیت آن در گرو همراهی با سیاست‌های پولی و مالی منسجم است. سیاست پولی متناسب با اقتصاد با اجرای درست و با توجه به ماهیت درون‌زایی مختص به خود می‌تواند از طریق متغیرهایی چون سرمایه‌گذاری، اشتغال، تورم، رشد تولید ناخالص ملی و تقاضای کل اقتصاد،

1. Currency Redenomination

2. Mosley, 2005

3. Sargent, 1982

5. Sargent, 1982



عدالت توزیعی در جامعه به مثابه کل را بهبود بخشد و جامعه را به سمت توازن متمایل سازد^۱. با این حال، حتی اگر بر متغیرهای واقعی تأثیر نگذارد، این سیاست می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر رفتار اقتصادی، انتظارات و سازوکارهای نهادی داشته باشد^۲. یکی از مهم‌ترین این تأثیرات، تغییر در نحوه ثبت، گزارش و تفسیر اطلاعات مالی است. از دیدگاه حسابداری، حذف صفرهای پولی را می‌توان نوعی بازتعریف واحد اندازه‌گیری اسمی دانست. از آنجا که حسابداری مبتنی بر واحد پولی به عنوان مقیاس مشترک اندازه‌گیری است، هرگونه تغییر در این واحد، حتی در صورت ثبات ارزش واقعی، پیامدهای گسترده‌ای برای فرآیندهای حسابداری خواهد داشت. این پیامدها شامل اصلاح دفاتر حسابداری، تعدیل صورت‌های مالی، بازنگری در سیستم‌های اطلاعاتی و بازآموزی استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی است^۳. بنابراین، از منظر نظری، کاهش صفرهای واحد پولی صرفاً یک اقدام فنی یا نمادین نیست، بلکه پدیده‌ای است که در مرز میان سیاست پولی و نظام حسابداری قرار دارد و می‌تواند ساختار گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد. این برداشت نظری، زمینه‌ساز بررسی دقیق‌تر آثار این سیاست در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی می‌باشد.

۲-۲. واحد اندازه‌گیری پولی در حسابداری

واحد پولی، به عنوان مبنای اندازه‌گیری در حسابداری، نقش اساسی در ثبت، طبقه‌بندی و گزارش رویدادهای مالی ایفا می‌کند. در نظریه حسابداری فرض بر این است که واحد پولی دارای ثبات نسبی است و می‌توان از آن به عنوان معیاری مشترک برای اندازه‌گیری ارزش اقلام مختلف استفاده کرد. این فرض که به عنوان فرض ثبات واحد پولی شناخته می‌شود، یکی از مفروضات اساسی سیستم حسابداری متعارف است^۴. در شرایط تورمی، به ویژه تورم مزمن، ثبات واحد پولی تضعیف می‌شود و ارقام اسمی به تدریج از انعکاس دقیق واقعیت اقتصادی فاصله می‌گیرند. در چنین شرایطی، حسابداری با چالش‌هایی مانند کاهش قابلیت مقایسه، دشواری در تحلیل روندها و تضعیف قابلیت فهم صورت‌های مالی مواجه است. در این زمینه، ارزش‌گذاری مجدد پول ملی، تلاشی برای تعریف مجدد واحد اسمی اندازه‌گیری و بازیابی اثربخشی آن به عنوان یک ابزار گزارشگری تلقی می‌شود^۵.

از دیدگاه نظری، نظریه کلاسیک بر خنثی بودن پول تأکید دارد، اما رویکردهای حسابداری-اقتصادی مدرن نشان می‌دهند که حذف صفر صرفاً تغییر واحد اندازه‌گیری نیست. طبق نظریه اعتبار نهادی، حذف صفر زمانی موفقیت‌آمیز است که با اصلاحات ساختاری همراه باشد، در غیر این صورت می‌تواند

۱. رجائی و همکاران، ۱۳۹۹

2. Eichengreen, 2008

3. Deegan, 2017

4. Deegan, 2017

5. Eichengreen, 2008



خود به دلیل اثرات گرد کردن اعداد باعث تورم‌های جزئی در گزارشگری مالی شود^۱. همچنین، طبق نظریه هزینه‌های منور در حسابداری، فرآیند سازماندهی مجدد سیستم‌های مالی هزینه‌های پنهانی ایجاد می‌کند که بر سودآوری گزارش شده تأثیر می‌گذارد^۲.

از سویی دیگر، تغییر در واحد پولی اندازه‌گیری نباید منجر به تغییر در ماهیت اقتصادی معاملات شود. به عبارت دیگر، کاهش صفرهای پولی، تغییر در مقیاس اندازه‌گیری است، نه تغییر در ارزش اقتصادی اقلام. با این حال، این تغییر در مقیاس می‌تواند بر نحوه ارائه اطلاعات مالی تأثیر بگذارد و اگر به درستی مدیریت نشود، می‌تواند منجر به برداشت‌های نادرست از وضعیت مالی و عملکرد واحد تجاری شود^۳. در زمینه گزارشگری مالی، حفظ قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی اساسی اطلاعات مالی است. هنگامی که واحد پول گزارشگری تغییر می‌کند، لازم است ارقام مقایسه‌ای از دوره‌های قبل به گونه‌ای تنظیم شوند که تجزیه و تحلیل روندها و نسبت‌های مالی همچنان امکان‌پذیر باشد. عدم توجه به این موضوع می‌تواند تصمیم‌گیری اقتصادی کاربران را مختل کند^۴. بنابراین، ارزش‌گذاری مجدد پول ملی نه تنها یک مسئله پولی است، بلکه موضوعی مرتبط با کیفیت اندازه‌گیری و گزارشگری مالی نیز می‌باشد. این سیاست مستلزم بررسی نحوه اعمال واحد پولی به عنوان یک معیار حسابداری و طراحی سازوکارهای مناسب برای حفظ شفافیت و قابلیت اطمینان اطلاعات مالی است.

۳-۲. زیرساخت‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی

زیرساخت حسابداری شامل مجموعه‌ای از استانداردها، سیستم‌های اطلاعاتی، منابع انسانی متخصص، کنترل‌های داخلی و سازوکارهای نظارتی است که کیفیت گزارشگری مالی را تعیین می‌کنند. ادبیات حسابداری نشان می‌دهد که کیفیت اطلاعات مالی به طور مستقیم به سطح توسعه این زیرساخت‌ها وابسته است، به ویژه در کشورهای در حال توسعه که با محدودیت‌های نهادی مواجه هستند^۵. اجرای سیاست‌هایی مانند کاهش صفرهای واحد پولی، فشار مضاعفی بر زیرساخت‌های حسابداری وارد می‌کند. این سیاست مستلزم اصلاح هم‌زمان سیستم‌های نرم‌افزاری، رویه‌های ثبت حسابداری، کنترل‌های داخلی و فرآیندهای حسابرسی است. کنترل‌های داخلی بدان سبب از اهمیت فراوانی برخوردار است که هر چه نظارت بالاتر باشد، توانایی مدیریت و نیز بازده دارایی‌ها افزایش پیدا می‌کند^۶. در صورت ضعف زیرساختی،

1. Mosley, 2020

2. Romer, 2023

3. Barth et al, 2008

4. Gnan & Valderrama, 2012

5. Iyoha & Oyerinde, 2010

6. ۱۳۹۷، می‌نیس‌چیرما وی‌نیس‌حلا م‌داخ



احتمال بروز خطاهای ثبت، گزارشگری نادرست و کاهش قابلیت اتکای صورت‌های مالی افزایش می‌یابد. از دیدگاه نظری، کنترل‌های داخلی نقش کلیدی در مدیریت ریسک‌های ناشی از تغییرات اسمی در مقیاس بزرگ ایفا می‌کنند. در طول دوره‌گذار تغییر واحد پول، ریسک‌هایی مانند ترکیب ارزهای قدیمی و جدید، خطا در نرخ تبدیل و عدم تطابق در ارقام مقایسه‌ای افزایش می‌یابد. وجود کنترل‌های داخلی مؤثر می‌تواند این ریسک‌ها را کاهش داده و از تحریف‌های بااهمیت اطلاعات مالی جلوگیری کند.^۱ علاوه بر این، سرمایه‌انسانی و آموزش حرفه‌ای حسابداران و حسابرسان نقش حیاتی در موفقیت اجرای اصلاحات ارزی ایفا می‌کند. بدون درک صحیح از ماهیت اسمی این تغییر، حتی سیستم‌های فنی پیشرفته نیز نمی‌توانند از خطاهای مفهومی و تفسیری جلوگیری کنند. از این رو، توسعه زیرساخت‌های نرم و نهادی، مکمل اصلاحات فنی در این زمینه است.^۲ به طور خلاصه، مبانی نظری نشان می‌دهد که اثرات حذف صفرهای پولی در حسابداری و گزارشگری مالی به میزان زیادی به سطح آمادگی زیرساخت‌های حسابداری و اثربخشی کنترل‌های داخلی وابسته است.

۴-۲. نظریه‌های نوین مرتبط با تغییر واحد پول

- در ادامه به تشریح مختصر از مهمترین نظریه‌های نوین در زمینه تغییر واحد پول پرداخته می‌شود:
- **نظریه انتقال انتظارات:**^۳ این نظریه بیان می‌کند که حذف صفر، سیگنالی برای تغییر رژیم تورمی است. اگر استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی تصور کنند که حذف صفر مقدمه‌ای برای ثبات است، کیفیت پیش‌بینی‌های مالی بهبود می‌یابد.^۴
 - **نظریه چسبندگی قیمتی در بازتنظیم:**^۵ این نظریه بر این باور است که در زمان تغییر واحد پول، قیمت‌های نسبی به دلیل تمایل حسابداران به گرد کردن ارقام به سمت بالا، دچار چسبندگی شده و منجر به سودهای موهوم در کوتاه‌مدت می‌شود.^۶
 - **نظریه بی‌اثر بودن حقیقی:** تأکید دارد که در عصر دیجیتال، حذف صفر صرفاً تغییر یک کد نرم‌افزاری است و هیچ اثر ثروتی ندارد، مگر اینکه هزینه‌های معاملاتی سیستم‌های مالی به شدت بالا باشد.^۷

1. Gnan & Valderrama, 2012

2. Iyoha & Oyerinde, 2010

3. Expectation-Shift

4. Taylor et al, 2021

5. Price Stickiness Reset

6. Bernanke, 2022

7. Obseld, 2023



- **نظریه هزینه‌های سوئیچینگ پولی**^۱: به هزینه‌های روانی و عملیاتی تغییر واحد پول اشاره دارد. در حسابداری، این هزینه شامل بازآموزی کارکنان و ریسک خطای انسانی در ثبت‌های دستی است.^۲
- **روانشناسی پولی**: این نظریه به پدیده توهم پولی می‌پردازد؛ جایی که سرمایه‌گذاران به ارقام کوچک‌تر واکنش مثبت‌تری نشان می‌دهند، حتی اگر ارزش واقعی ثابت باشد.^۳
- **نظریه دیجیتالی‌شدن پول**: مطرح می‌کند که حذف صفر در اقتصادهای دیجیتال ساده‌تر است، اما چالش اصلی در تطبیق ارزشهای دیجیتال بانک مرکزی با واحد جدید گزارشگری مالی است.^۴
- **نظریه بازتنظیم حسابداری**^۵: این نظریه پیشنهاد می‌کند که در زمان حذف صفر، تمام مبانی اندازه‌گیری (بهای تمام شده تاریخی) باید به ارزش‌های منصفانه بازتنظیم شوند تا اطلاعات معنادار بماند.^۶
- **نظریه ناهم‌زمانی تورم و حذف صفر**: بیان می‌کند که اگر سرعت تورم از سرعت تطبیق سیستم‌های حسابداری بیشتر باشد، اطلاعات مالی همواره دچار عقب‌ماندگی در ارائه واقعیت اقتصادی خواهند بود.^۷
- **نظریه سرکوب تورمی**: حذف صفر می‌تواند به عنوان ابزاری برای پنهان کردن نرخ واقعی تورم در صورت‌های مالی استفاده شود که منجر به کاهش شفافیت گزارشگری می‌شود.^۸

۲-۵. پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که در سطح جهانی، مطالعات بر دو محور اصلی تمرکز داشته‌اند. گروه اول مطالعات بین‌المللی، پژوهش‌های مربوط به تغییرات واحد پول است. پژوهش‌هایی مانند کارهای موزلی^۹ و پراساد^{۱۰} بر این نکته تأکید دارند که تغییر واحد پول اگر با بازسازی نهادی همراه نباشد، تنها یک تغییر اسمی است و اثری بر ثبات اقتصادی ندارد. این مطالعات نشان می‌دهند که در اقتصادهای نوظهور، حذف صفرها می‌تواند به بازسازی اعتماد به سیستم پولی کمک کند. گروه دوم مطالعات بین‌المللی مربوط به استانداردهای گزارشگری و اثر تورم است. پژوهشگران در حوزه حسابداری

1. Monetary Switching Cost

2. Klemperer, 2021

3. Shiller, 2023

4. Prasad, 2022

5. Accounting Re-Calibration

6. Barth, 2021

7. Edwards, 2022

8. Reinhart, 2023

9. Mosley, 2020

10. Prasad, 2021



بین‌المللی مانند راینهاارت و روگاف^۱ به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که چگونه تورم‌های بالا و بزرگ شدن ارقام اسمی، دقت گزارش‌های مالی را کاهش می‌دهد. با این حال، تمرکز اصلی این پژوهش‌ها بر «گزارشگری در شرایط تورمی» بوده و کمتر به فرآیند گذار از حذف صفرهای پولی در زیرساخت‌های حسابداری پرداخته‌اند؛ که این موضوع، شکاف پژوهشی اصلی تحقیق حاضر است. پیشینه مطالعات داخلی عمدتاً بر محور مطالعات اقتصاد پولی و تورم و همچنین مطالعات کیفیت حسابداری و سیستم‌های بانکی بنا شده است. پژوهش‌هایی مانند احمدی^۲ و مهربانی^۳ به بررسی علل تورم و ضرورت‌های تغییر واحد پول در ایران پرداخته‌اند. این مطالعات بیشتر جنبه اقتصادی-کلان دارند و به ابعاد حسابداری و گزارشگری مالی کمتر توجه کرده‌اند. در حوزه کیفیت حسابداری مطالعات نظیر اسکندری پسیان و همکاران^۴ و رفیعی قره‌شیران^۵ به بررسی عملکرد سیستم‌های بانکی و ماهیت حقوقی پول پرداخته‌اند. اگرچه این پژوهش‌ها به زیرساخت‌های مالی اشاره دارند، اما ارتباط مستقیم میان سیاست حذف صفرها و ریسک تحریف در صورت‌های مالی را به صورت یکپارچه بررسی نکرده‌اند.

با مرور پیشینه‌ها، مشخص می‌شود که مطالعات اقتصادی عمدتاً بر اثرات کلان تمرکز داشته‌اند و مطالعات حسابداری عمدتاً بر اثرات تورم بر گزارشگری تمرکز کرده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در این مسئله نهفته است که با تلفیق حوزه‌های اقتصاد پولی و حسابداری مالی، یک مدل جامع ارائه می‌دهد که نه تنها به تغییرات اسمی، بلکه به تغییرات ساختاری، سیستمی و رفتاری ناشی از حذف صفرها می‌پردازد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، در زمره پژوهش‌های بنیادی کاربردی قرار می‌گیرد. از یک سو، با تبیین مفاهیم نظری مرتبط با کاهش صفرهای واحد پولی و پیامدهای آن بر حسابداری و گزارشگری مالی، به توسعه ادبیات نظری در این حوزه کمک می‌کند و از سوی دیگر، یافته‌های آن می‌تواند برای سیاست‌گذاران پولی، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، حسابداران و حسابرسان در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرا کاربرد عملی داشته باشد. از نظر ماهیت و رویکرد پژوهش، این تحقیق کیفی است؛ زیرا هدف آن کشف، تبیین و درک عمیق دیدگاه‌ها، تجربیات و برداشت‌های خبرگان درباره آثار حذف صفرهای پولی بر فرآیندهای حسابداری و گزارشگری مالی است، نه آزمون فرضیات کمی یا تعمیم آماری نتایج به جامعه‌ای بزرگ.

1. Reinhart & Rogoff, 2023

۲. احمدی، ۱۳۹۳

۳. مهربانی، ۱۳۸۹

۴. اسکندری پسیان و همکاران، ۱۴۰۲

۵. رفیعی قره‌شیران، ۱۳۹۸



از نظر سطح تحلیل، پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی محسوب می‌شود؛ به این معنا که ابتدا پدیده مورد مطالعه (کاهش صفرهای واحد پولی) توصیف شده و سپس آثار و پیامدهای آن از منظر حسابداری و گزارشگری مالی تحلیل می‌گردد. از منظر نوع داده‌ها، پژوهش مبتنی بر داده‌های کیفی اولیه است که از طریق مصاحبه و پرسشنامه جمع‌آوری می‌شود و همچنین از داده‌های ثانویه (ادبیات علمی و اسناد تخصصی) برای غنای تحلیل استفاده می‌گردد.

با توجه به ماهیت مسئله پژوهش که به بررسی ادراکات، تحلیل‌های تخصصی و قضاوت‌های حرفه‌ای خبرگان در حوزه حسابداری و استانداردگذاری مالی مربوط می‌شود، روش کیفی به عنوان رویکرد اصلی پژوهش انتخاب شده است. روش‌های کیفی امکان درک عمیق‌تر از پدیده‌های پیچیده و چندبعدی را فراهم می‌کنند؛ پدیده‌هایی که اندازه‌گیری صرفاً عددی آن‌ها ممکن نیست. کاهش صفرهای واحد پولی، اگرچه در ظاهر یک تغییر اسمی است، اما آثار آن بر گزارشگری مالی، کیفیت اطلاعات، قابلیت مقایسه و کنترل‌های داخلی، ماهیتی تفسیری و مفهومی دارد. از این رو، بهره‌گیری از روش کیفی این امکان را فراهم می‌سازد تا دیدگاه‌های متنوع خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای به صورت عمیق و نظام‌مند استخراج و تحلیل شود.

۳-۱. بخش اول: تحلیل محتوا

برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها، از تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا روشی نظام‌مند برای شناسایی، طبقه‌بندی و تفسیر الگوها، مضامین و مفاهیم موجود در داده‌های متنی است. در این پژوهش، تحلیل محتوا به صورت تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار انجام می‌گیرد؛ به این معنا که چارچوب نظری پژوهش (کاهش صفرهای پولی، واحد اندازه‌گیری حسابداری و زیرساخت‌های حسابداری) به عنوان مبنای اولیه کدگذاری در نظر گرفته می‌شود، اما در عین حال امکان ظهور کدها و مقولات جدید از دل داده‌ها نیز فراهم است.

مراحل انجام تحلیل محتوا در این پژوهش شامل:

- پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها،
- مطالعه مکرر داده‌ها،
- کدگذاری اولیه،
- جمع‌بندی کدها در قالب مقوله‌ها،
- استخراج مضامین اصلی،
- تفسیر و تحلیل نهایی مضامین می‌باشد.



یکی از ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته است. پرسشنامه شامل سؤالات باز و بسته با مقیاس لیکرت بوده و به‌گونه‌ای طراحی شده است که ابعاد مختلف مسئله پژوهش، از جمله آثار حذف صفرهای پولی بر واحد اندازه‌گیری حسابداری، گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی و کیفیت اطلاعات مالی را پوشش دهد. پرسشنامه به‌عنوان ابزاری مکمل مصاحبه، این امکان را فراهم می‌کند که دیدگاه خبرگان به‌صورت ساختارمند جمع‌آوری و در فرآیند تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گیرد.

جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای حوزه حسابداری و گزارشگری مالی است. نمونه پژوهش به‌صورت هدفمند انتخاب شده و شامل ۱۵ نفر خبره می‌باشد، انتخاب خبرگان بر اساس معیارهایی مانند سابقه علمی و حرفه‌ای، تجربه عملی در حوزه استانداردگذاری و آشنایی با مسائل پولی و گزارشگری مالی انجام شده است. اعم معیارها عبارتند از:

- اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها با تخصص در حسابداری مالی، نظریه‌های حسابداری یا استانداردگذاری و دارا بودن مدرک دکتری در رشته‌های حسابداری، مدیریت مالی یا اقتصاد (۸ نفر دانشگاهی). و نیز داشتن تالیفات، پژوهش‌ها یا مشارکت مستقیم در پروژه‌های اصلاح نظام پولی یا تدوین استانداردهای حسابداری.
- اعضای حرفه‌ای و متخصصانی که در کمیته‌های تدوین یا بازنگری استانداردهای حسابداری فعالیت داشته یا دارند و داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار اجرایی در سطوح مدیریت مالی، حسابرسی (شرکای موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی) یا سیاست‌گذاری پولی در بانک مرکزی (۷ نفر حرفه‌ای).

مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت تا ضمن حفظ چارچوب پژوهش، امکان طرح دیدگاه‌های جدید فراهم شود. تعداد ۱۵ نفر بر اساس قاعده‌ی اشباع نظری در پژوهش‌های کیفی تعیین شده است. به عبارتی با انجام مصاحبه پانزدهم، اشباع نظری حاصل شد. جدول (۱) اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان مصاحبه‌شونده را به تصویر کشیده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان

ردیف	کد خبره	جنسیت	حوزه فعالیت	مدرک تحصیلی	مرتبه/سمت علمی یا حرفه‌ای	سابقه کاری (سال)
۱	E1	مرد	دانشگاهی	دکتری حسابداری	دانشیار حسابداری	۱۸
۲	E2	مرد	حرفه‌ای	دکتری حسابداری	عضو کمیته تدوین استاندارد	۲۲
۳	E3	زن	دانشگاهی	دکتری حسابداری	استادیار حسابداری	۱۲
۴	E4	مرد	حرفه‌ای	کارشناسی ارشد حسابداری	حسابرس ارشد / استاندارددگذار	۲۰
۵	E5	مرد	دانشگاهی	دکتری حسابداری	استاد تمام حسابداری	۲۵
۶	E6	زن	حرفه‌ای	دکتری حسابداری	عضو کمیته فنی استانداردها	۱۷
۷	E7	مرد	دانشگاهی	دکتری حسابداری	استادیار حسابداری	۱۰
۸	E8	مرد	حرفه‌ای	کارشناسی ارشد حسابداری	مشاور فنی گزارشگری مالی	۱۹
۹	E9	زن	دانشگاهی	دکتری حسابداری	دانشیار حسابداری	۱۶
۱۰	E10	مرد	حرفه‌ای	دکتری حسابداری	عضو کارگروه بازنگری استاندارد	۲۱
۱۱	E11	زن	دانشگاهی	دکتری حسابداری	استادیار حسابداری	۹
۱۲	E12	مرد	حرفه‌ای	کارشناسی ارشد حسابداری	حسابرس مستقل و استاندارددگذار	۲۳
۱۳	E13	مرد	دانشگاهی	دکتری حسابداری	دانشیار حسابداری	۱۵
۱۴	E14	زن	حرفه‌ای	دکتری حسابداری	عضو کمیته تدوین استاندارد	۱۸
۱۵	E15	مرد	دانشگاهی	دکتری حسابداری	استاد تمام حسابداری	۲۷

برای اطمینان از روایی ابزار و یافته‌ها، از روایی محتوا و روایی صوری استفاده شد. پرسشنامه و سؤالات مصاحبه پیش از اجرا در اختیار دو نفر از خبرگان مستقل قرار گرفته و اصلاحات لازم بر اساس نظرات آنان اعمال می‌شود. همچنین، هم‌سوایی سؤالات با مبانی نظری پژوهش، روایی مفهومی پژوهش را تقویت می‌کند. در پژوهش‌های کیفی، پایایی از طریق معیارهایی مانند ثبات در کدگذاری، بازبینی همتایی و بازگشت به مشارکت‌کنندگان بررسی می‌شود. در این پژوهش، داده‌ها به‌طور مستقل توسط پژوهشگر دوم نیز کدگذاری شده و میزان توافق بررسی گردید. استفاده از ۲ نفر کدگذار مستقل، ضمن افزایش دقت کدگذاری، روایی پژوهش را نیز افزایش می‌دهد و منجر به این می‌شود که تحلیل محتوا صرفاً مبتنی بر قضاوت یک فرد نباشد. پس از انجام محاسبات لازم، میزان توافقات مشاهده شده برابر با ۰.۸۱۱ برآورد شد و میزان توافقات شانس برابر با ۰.۱۸۹ تعیین گردید. با جای‌گذاری این نتایج، مقدار نهایی کاپا به ۰.۷۶۶ رسید که بالاتر از سطح قابل قبول ۰.۶ محسوب و این موضوع بر صحت و قابلیت اعتماد نتایج

تحقیق تاکید داشته و سبب اطمینان خاطر می‌شود. به عبارتی ضریب کاپا در سطح توافق خوب قرار دارد. همچنین نمونه‌ای از نتایج و نحوه طبقه‌بندی مقوله‌ها برای برخی مصاحبه‌شوندگان در بخش‌های آتی ارائه می‌شود تا از درستی برداشت‌ها اطمینان حاصل شود.

از نظر قلمرو زمانی، این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده و داده‌های آن در بازه زمانی سال ۱۴۰۴ هجری شمسی گردآوری شدند. تمرکز بر این بازه زمانی به دلیل هم‌زمانی آن با طرح مباحث سیاستی و علمی پیرامون اصلاح واحد پولی و کاهش صفرهای واحد پولی است. در مجموع، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی، بهره‌گیری از تحلیل محتوا، استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای، تلاش می‌کند تصویری جامع و عمیق از پیامدهای کاهش صفرهای واحد پولی بر حسابداری و گزارشگری مالی ارائه دهد. این روش‌شناسی امکان استخراج دانش تخصصی و مبتنی بر تجربه را فراهم کرده و مبنای مناسبی برای تحلیل‌های نظری و کاربردی پژوهش ایجاد می‌کند.

۳-۲. بخش دوم: محاسبه شاخص روایی (CVR)

به منظور اولویت‌بندی و سنجش روایی محتوایی مقوله‌های انتخابی استخراج‌شده از تحلیل محتوا، از روش نسبت روایی محتوا (CVR) بر اساس مدل لاوشه^۱ استفاده شد. بدین منظور، ۱۰ مقوله انتخابی حاصل از تحلیل کیفی در اختیار همان ۱۵ نفر از خبرگان قرار گرفت و از آنان خواسته شد ضرورت هر مقوله را ارزیابی کنند. مقدار CVR هر مقوله با استفاده از فرمول لاوشه محاسبه شد. با توجه به تعداد خبرگان (N=15)، مقدار بحرانی CVR برابر ۰.۴۹ در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد تمامی مقوله‌هایی که مقدار CVR آن‌ها بیش از حد بحرانی بود، به عنوان مقوله‌های ضروری و دارای روایی محتوایی تأیید شدند. محاسبه CVR برای هر مقوله با استفاده از فرمول زیر انجام شد:

$$CVR = \frac{n_e - \frac{n}{2}}{\frac{n}{2}}$$

که در آن: Ne تعداد متخصصانی که «ضروری» را انتخاب کردند و N تعداد کل متخصصان (۱۵ نفر) است. حداقل مقدار ضروری برای N=10 برابر ۰/۴۹ است؛ مقوله‌هایی با CVR بالاتر از این مقدار پذیرفته شدند. بر اساس محاسبات انجام‌شده، تمامی مقوله‌های انتخابی استخراج‌شده از تحلیل محتوای کیفی، مقدار CVR بالاتر از مقدار بحرانی کسب کردند. این امر نشان می‌دهد تمامی مقوله‌ها از نظر متخصصان ضروری، معتبر و قابل پذیرش هستند.

1. Lawshe



۳-۳. بخش سوم: معادلات ساختاری

در مرحله نهایی، برای تعیین روابط علی و معلولی و برازش مدل استخراج شده، از مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) با نرم افزار Amos استفاده می شود. جامعه آماری این بخش شامل حسابسان شاغل در موسسات عضو جامعه حسابداران رسمی است که بر اساس جدول مورگان، نمونه ای به تعداد ۳۸۴ نفر (متفاوت از دو گروه قبل) انتخاب می شوند. داده ها از طریق پرسشنامه ۵ تایی لیکرت جمع آوری شده و آزمون های تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر برای تبیین نهایی مدل ریسک و قضاوت در بستراقتصاد تورمی انجام می پذیرد. در مجموع با افراد در سه موسسه حسابرسی و ده شرکت مصاحبه صورت گرفت.

فرآیند تحلیل کمی (مدل سازی معادلات ساختاری)

در بخش کمی، از مدل سازی معادلات ساختاری در آموس برای آزمون مدل استفاده شد. مراحل به صورت زیر بود:

۱. تحلیل عاملی تأییدی برای تک تک سازه ها.
۲. بررسی شاخص های برازش مدل اندازه گیری.
۳. ارزیابی بارهای عاملی و اصلاح مدل در صورت نیاز.
۴. آزمون مدل ساختاری و تحلیل مسیرهای علی.
۵. ارزیابی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل.
۶. بررسی معناداری پارامترها با استفاده از مقدار بحرانی و سطح احتمال.

۴. یافته ها

در این پژوهش، به منظور شناسایی و تبیین آثار کاهش تعداد صفرهای واحد پولی رایج بر حسابداری و گزارشگری مالی، از رویکرد کیفی و تکنیک تحلیل محتوای سه مرحله ای استفاده شده است. داده های پژوهش از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته و پرسشنامه های تخصصی از ۱۵ خبره دانشگاهی و حرفه ای گردآوری شد. تحلیل داده ها با هدف استخراج الگوهای مفهومی مشترک، تفسیر دیدگاه های خبرگان و دستیابی به مقولات اصلی انجام گرفت.

۴-۱. بخش اول: تحلیل محتوا

فرآیند تحلیل محتوا شامل سه سطح کدگذاری مقوله های فرعی، مقوله های اصلی و مقوله های انتخابی بوده است. این ساختار امکان حرکت از داده های خام به سطوح بالاتر انتزاع نظری را فراهم ساخته و به شکل گیری چارچوبی منسجم از آثار حذف صفرهای پولی در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی منجر شده است.

نحوه‌گزینش مقوله‌های انتخابی بدین صورت بود که ابتدا در کدگذاری باز نسبت به استخراج ۵۸ مفهوم اولیه از متن مصاحبه‌ها (مانند: سردرگمی حسابدار، تغییر نرم‌افزار) اقدام شد. سپس کدگذاری محوری با دسته‌بندی مفاهیم مشابه در ۱۸ مقوله اصلی (مانند: هزینه‌های تطبیق سیستم، ریسک تحریف) صورت گرفت. در مرحله کدگذاری انتخابی نیز با تحلیل روابط بین مقوله‌های محوری، ۱۰ مقوله انتخابی که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را در پاسخ به سوال پژوهش داشتند، به عنوان هسته مرکزی الگوی نهایی برگزیده شدند.

در ادامه، ابتدا نمونه‌ای از طبقه‌بندی مضامین مصاحبه‌ها و نحوه کدگذاری نمونه (جدول ۲) تشریح صورت می‌پذیرد. پس از آن جدول طبقه‌بندی یافته‌ها (۳) ارائه می‌شود.

جدول ۲. نمونه‌ای از طبقه‌بندی مضامین

ردیف	کد مصاحبه‌شونده	محتوای استخراج شده از مصاحبه	مقوله انتخابی	مقوله اصلی	مقوله فرعی	کد اولیه
۱	E7	بعد از حذف صفرها، اگر صورت‌های مالی سنوات قبل تعدیل نشوند، تحلیل روند سودآوری عملاً گمراه‌کننده می‌شود.	کاهش کیفیت گزارشگری مالی	تضعیف ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی	عدم قابلیت مقایسه بین دوره‌ای	اختلال در تحلیل روند

جدول طبقه‌بندی یافته‌ها (۳) به شرح زیر است.

جدول ۳. طبقه‌بندی یافته‌ها

مقوله انتخابی	مقوله اصلی	مقوله فرعی
کاهش کیفیت گزارشگری مالی	تضعیف ویژگی‌های کیفی	کاهش قابلیت مقایسه
		کاهش قابلیت فهم
		افزایش ابهام اطلاعات
	خطاهای ارائه	ارائه نادرست ارقام
اختلال در واحد اندازه‌گیری حسابداری	تغییر مقیاس پولی	عدم تعدیل سنواتی
		تغییر مقیاس ثبت
		ناهمخوانی تاریخی
	ابهام در اندازه‌گیری	برداشت نادرست از ارزش‌ها
		تفاوت محاسبات اسمی و واقعی



مقوله انتخابی	مقوله اصلی	مقوله فرعی
افزایش ریسک تحریف اطلاعات مالی	ریسک‌های ثبت	اشتباه در تبدیل
		اختلاط واحد پول
	ضعف کنترل	نقص کنترل‌های داخلی عدم تطبیق با استانداردها
افزایش هزینه‌های تطبیق سیستم‌های حسابداری	هزینه‌های فنی	اصلاح نرم‌افزار
		به‌روزرسانی ERP
		اصلاح سیستم‌های گزارشگری
	هزینه‌های انسانی	آموزش حسابداران
		افزایش زمان ثبت اطلاعات
		نیاز به نیروی متخصص
تضعیف تحلیل و تصمیم‌گیری مالی	اختلال در نسبت‌ها	انحراف ROA
		انحراف ROE
		انحراف نسبت‌های نقدینگی
	تحلیل نادرست عملکرد	سوءبرداشت از سود
		ارزیابی غیرواقعی عملکرد
افزایش اهمیت افشا و شفافیت	نیاز به افشای گسترده	افشای ضریب تبدیل
		افشای تغییرات سنوایتی
	توضیحات تکمیلی	یادداشت‌های توضیحی
		افشای ریسک‌ها
		شفاف‌سازی معیارهای مقایسه‌ای
		افزایش دامنه آزمون
تأثیر بر حسابرسی و اطمینان بخشی	افزایش ریسک حسابرسی	دشواری اعتبارسنجی اطلاعات
		دشواری تطبیق اسناد
	پیچیدگی شواهد	نیاز به بررسی اضافی معاملات



مقوله انتخابی	مقوله اصلی	مقوله فرعی
آثار رفتاری و ادراکی بر استفاده‌کنندگان	توهم پولی	برداشت ظاهری بهبود
		اشتباه در ارزیابی سود
	واکنش‌های روانی	کاهش اعتماد
		افزایش اعتماد کاذب
		تغییر در انتظارات مالی
وابستگی موفقیت به زیرساخت‌های حسابداری	آمادگی نهادی و سرمایه انسانی	بلوغ سیستم حسابداری
		مهارت حرفه‌ای
		سطح دانش حسابداران
		کارایی فرآیندهای داخلی
		توان تطبیق سیستم‌های مالی
ضرورت هماهنگی سیاست پولی و حسابداری	ناهماهنگی نهادی و مقرراتی	شکاف سیاست‌گذاری
		ضعف چارچوب مقرراتی
		تعارض بین استانداردها و سیاست پولی
		فقدان دستورالعمل‌های اجرایی
		ناکارآمدی هماهنگی بین نهادها
		ریسک اجرای ناهماهنگ
		نیاز به دستورالعمل عملیاتی
		تأخیر در تصمیم‌گیری
		سردرگمی واحدهای حسابداری
		اختلاف در ضریب تبدیل
		اختلاف در نحوه ثبت معاملات
		کمبود آموزش هماهنگ
		پیچیدگی هماهنگی بین ذی‌نفعان
		اختلاف دیدگاه‌های حرفه‌ای
		افزایش ریسک اجرایی



۴-۱-۱. کاهش کیفیت گزارشگری مالی

یکی از مهم‌ترین آثار کاهش صفرهای واحد پولی، کاهش کیفیت گزارشگری مالی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حذف صفرها بدون رعایت اصلاح ارقام مقایسه‌ای و افشای کافی، موجب کاهش قابلیت مقایسه بین دوره‌ها و تضعیف قابلیت فهم اطلاعات مالی می‌شود. در عمل، اگر صورت‌های مالی دوره قبل با واحد پول جدید تعدیل نشود، تحلیل روندها و نسبت‌های مالی عملاً غیرممکن می‌شود. به عنوان مثال، سود یک شرکت در سال قبل به صورت ۵,۰۰۰,۰۰۰ واحد پول قدیم و در سال بعد به صورت ۵۰۰ واحد پول جدید گزارش شود، در صورتی که این تغییر تنها اسمی باشد، تحلیلگر ممکن است برداشت نادرستی از کاهش سود شرکت داشته باشد. همچنین، استفاده‌کنندگان غیرحرفه‌ای با ارقام کوچک‌تر یا بزرگ‌تر ممکن است برداشت‌های روانی متفاوتی از وضعیت مالی شرکت پیدا کنند. این موضوع نشان می‌دهد که حذف صفرهای پولی، حتی اگر تغییری واقعی در دارایی‌ها و بدهی‌ها ایجاد نکند، می‌تواند تصویر ذهنی کاربران از عملکرد و ثروت شرکت را تغییر دهد. بر اساس مصاحبه‌های خبرگان، رعایت چارچوب افشای شفاف، استفاده از یادداشت‌های توضیحی و تعدیل ارقام مقایسه‌ای، الزامی است تا کیفیت گزارشگری مالی حفظ شود.

۴-۱-۲. اختلال در واحد اندازه‌گیری حسابداری

کاهش صفرهای پولی مستقیماً بر واحد اندازه‌گیری حسابداری اثر می‌گذارد. در حسابداری، واحد پول به عنوان معیار سنجش و ثبت ارزش ارقام مالی عمل می‌کند و تغییر آن می‌تواند موجب ابهام در اندازه‌گیری و ثبت تراکنش‌ها شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از شرکت‌ها در بازه‌های گذار با مشکلاتی مانند تفاوت محاسبات اسمی و واقعی و ناهمخوانی تاریخی ارقام مواجه می‌شوند. به عنوان مثال، اگر موجودی نقدی بانک و بدهی‌های کوتاه‌مدت با واحد پول جدید ثبت شوند، اما دارایی‌های ثابت با ارقام قدیم ارائه شوند، ترازنامه شرکت در نگاه اول دچار ناسازگاری خواهد شد. این اختلال می‌تواند بر تصمیمات مدیریتی و سرمایه‌گذاری تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، رعایت ضریب تبدیل واحد پول و تطبیق همه ارقام مالی ضروری است. همچنین، کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که آموزش حسابداران و تهیه دستورالعمل‌های داخلی برای حفظ انسجام اندازه‌گیری‌ها الزامی است.

۴-۱-۳. افزایش ریسک تحریف اطلاعات مالی

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که کاهش صفرهای پولی می‌تواند ریسک تحریف اطلاعات مالی را افزایش دهد. اشتباه در تبدیل واحد پول، اختلاط واحدهای قدیم و جدید، یا ضعف کنترل‌های داخلی، موجب



ارائه اطلاعات نادرست می‌شود. برای نمونه، در یک شرکت تولیدی، اگر بدهی‌ها و درآمدها با واحد جدید ثبت شوند ولی دارایی‌ها با واحد قدیم گزارش شوند، نسبت بدهی به دارایی اشتباه محاسبه می‌شود و مدیران یا سرمایه‌گذاران تصمیمات غلط می‌گیرند. بنابراین، توجه به کنترل‌های داخلی و فرآیندهای تطبیق سیستم‌های مالی، ریسک تحریف را کاهش می‌دهد و صحت گزارشگری مالی را تضمین می‌کند.

۴-۱-۱-۴. افزایش هزینه‌های تطبیق سیستم‌های حسابداری

یکی از آثار عملی حذف صفرهای پولی، افزایش هزینه‌های تطبیق سیستم‌ها است. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصلاح نرم‌افزارهای حسابداری، به‌روزرسانی ERP، بازآموزی حسابداران و تنظیم گزارش‌های مالی، هزینه‌های مالی و انسانی قابل توجهی ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، یک شرکت بزرگ با چند سیستم مالی، مجبور شد همه سیستم‌ها را با ضریب تبدیل جدید تطبیق دهد و آموزش کارکنان را انجام دهد تا خطای ثبت رخ ندهد. این هزینه‌ها علاوه بر مالی، شامل صرف زمان و منابع انسانی نیز می‌شوند.

۴-۱-۱-۵. تضعیف تحلیل و تصمیم‌گیری مالی

حذف صفرهای پولی می‌تواند تحلیل و تصمیم‌گیری مالی را دچار اختلال کند. ارقام اسمی جدید، تحلیل نسبت‌ها و ارزیابی عملکرد سودآوری را پیچیده می‌سازند. برای نمونه، تحلیل نسبت‌های نقدینگی و سودآوری شرکت‌ها قبل و بعد از حذف صفرهای واحد پولی بدون تعدیل دقیق ارقام مقایسه‌ای، باعث برداشت نادرست از وضعیت واقعی می‌شود. این موضوع می‌تواند تصمیمات سرمایه‌گذاران، مدیران و وام‌دهندگان را تحت تأثیر قرار دهد.

۴-۱-۱-۶. افزایش اهمیت افشا و شفافیت

یافته‌ها نشان می‌دهد که افشا و شفافیت اطلاعات مالی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. خبرگان معتقدند که بدون یادداشت‌های توضیحی درباره ضریب تبدیل و تعدیل ارقام، استفاده‌کنندگان اطلاعات دچار سردرگمی می‌شوند. به عنوان مثال، در صورت عدم ذکر واحد پول جدید و توضیح تغییرات مقایسه‌ای، تحلیلگر ممکن است کاهش ارزش دارایی‌ها را واقعی تلقی کند.

۴-۱-۱-۷. تأثیر بر حسابرسی و اطمینان بخشی

کاهش صفرهای پولی بر حسابرسی و فرآیند اطمینان بخشی اثرگذار است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که دامنه آزمون‌ها افزایش می‌یابد و تطبیق اسناد و شواهد پیچیده‌تر می‌شود. برای مثال، حساب‌برسان



برای اطمینان از صحت ارقام درآمد و هزینه، نیازمند تطبیق دقیق با واحد پول قدیم و جدید هستند. این پیچیدگی می‌تواند زمان و هزینه حسابرسی را افزایش دهد.

۸-۱-۱-۴. آثار رفتاری و ادراکی بر استفاده‌کنندگان

یکی دیگر از آثار مهم، تأثیر روانی و رفتاری بر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی است. حذف صفرها ممکن است باعث توهم پولی شود؛ به عنوان مثال، ارقام کوچک‌تر ممکن است افزایش ثروت شرکت را نشان دهد در حالی که ارزش واقعی تغییر نکرده است. این برداشت‌ها می‌تواند اعتماد کاربران را افزایش یا کاهش دهد و بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد.

۹-۱-۱-۴. وابستگی موفقیت به زیرساخت‌های حسابداری

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت حذف صفرها به زیرساخت‌های حسابداری و سرمایه انسانی وابسته است. سیستم‌های مالی پیشرفته، مهارت حسابداران و کنترل‌های داخلی مناسب، نقش کلیدی در کاهش خطاها و افزایش دقت گزارشگری دارند. برای نمونه، شرکت‌هایی که سیستم‌های ERP با قابلیت تعدیل خودکار داشتند، مشکلات کمتری در ثبت و گزارش داشتند.

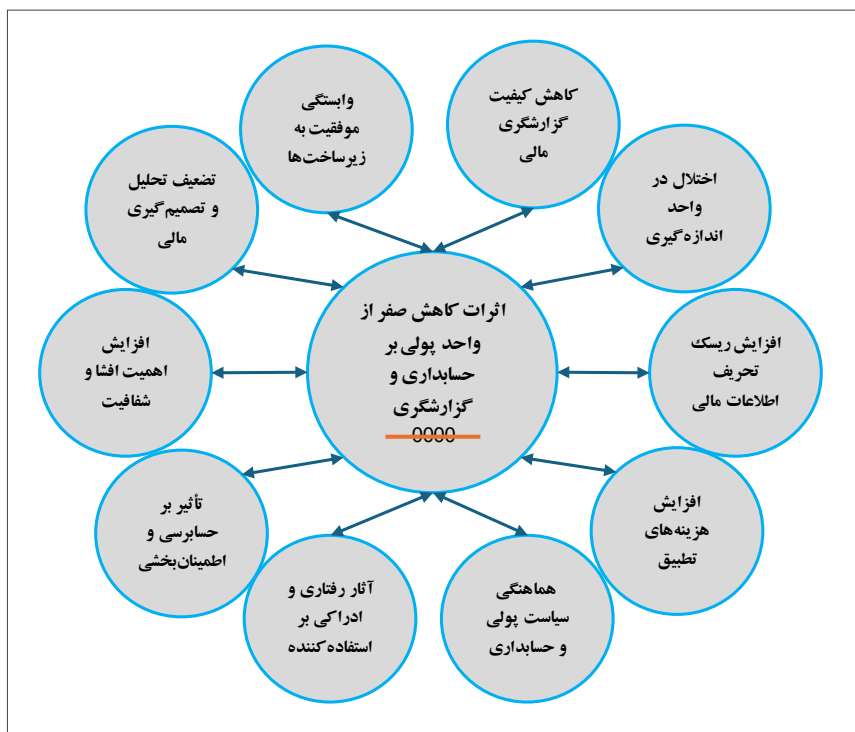
۱۰-۱-۱-۴. ضرورت هماهنگی سیاست پولی و حسابداری

آخرین مقوله انتخابی، ضرورت هماهنگی بین سیاست پولی و حسابداری است. یافته‌ها حاکی است که ناهماهنگی بین تصمیمات پولی و چارچوب‌های حسابداری، موجب سردرگمی و ریسک اجرایی می‌شود. به عنوان مثال، در برخی شرکت‌ها، ضریب تبدیل توسط بانک مرکزی اعلام شد اما دستورالعمل اجرایی داخلی به موقع تدوین نشد و موجب ثبت متفاوت واحد پول در اسناد شد که اثر مستقیم بر گزارشگری و تحلیل مالی داشت.

۲-۱-۴. الگوی پژوهش

پس از تحلیل‌های صورت گرفته، الگوی اثرات کاهش صفر واحد پولی بر حسابداری و گزارشگری مالی به شرح نمودار (۱) تدوین شد.





نمودار ۱. الگوی اولیه اثرات کاهش صفر واحد پولی بر حسابداری و گزارشگری مالی

ارزیابی کیفیت یافته‌های به‌دست آمده از اثرات کاهش تعداد صفرهای واحد پولی بر حسابداری و گزارشگری مالی، توسط خبرگان مورد بررسی همتایی قرار گرفت. اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان بررسی همتایی در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴. اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان بررسی همتایی

ردیف	شرح	مرتبه دانشگاهی	کُد	مدرک تحصیلی	جنسیت	سابقه تدریس/ تحقیق
۱	عضو هیات علمی	استادیار	F1	دکتری تخصصی	مرد	۱۱
۲	"	دانشیار	F2	"	"	۱۶
۳	"	"	F3	"	زن	۱۴
۴	"	استادیار	F4	"	مرد	۷
۵	"	"	F5	"	زن	۹

۴-۲. بخش دوم: محاسبه شاخص روایی (CVR)

به منظور اولویت بندی و سنجش روایی محتوایی مقوله های انتخابی استخراج شده از تحلیل محتوا، از روش نسبت روایی محتوا (CVR) بر اساس مدل لاوشه استفاده شد. بدین منظور، ۱۰ مقوله انتخابی حاصل از تحلیل کیفی در اختیار ۱۵ نفر از خبرگان قرار گرفت و از آنان خواسته شد ضرورت هر مقوله را ارزیابی کنند. مقدار CVR هر مقوله با استفاده از فرمول لاوشه محاسبه شد. با توجه به تعداد خبرگان (N=15)، مقدار بحرانی CVR برابر ۰.۴۹ در نظر گرفته شد. جدول (۵) تعداد نظرات ضروری برای هر مقوله انتخابی را نشان می دهد.

جدول ۵. تعداد نظرات «ضروری» (n_e)

ردیف	مقوله انتخابی	n _e
۱	کاهش کیفیت گزارشگری مالی	۱۵
۲	اختلال در واحد اندازه گیری حسابداری	۱۴
۳	افزایش ریسک تحریف اطلاعات مالی	۱۴
۴	افزایش اهمیت افشا و شفافیت	۱۵
۵	تأثیر بر حسابرسی و اطمینان بخشی	۱۳
۶	وابستگی موفقیت به زیرساخت های حسابداری	۱۳
۷	ضرورت هماهنگی سیاست پولی و حسابداری	۱۴
۸	افزایش هزینه های تطبیق سیستم ها	۱۲
۹	تضعیف تحلیل و تصمیم گیری مالی	۱۳
۱۰	آثار رفتاری و ادراکی بر استفاده کنندگان	۱۲

جدول ۶. اولویت بندی مقوله ها با استفاده از شاخص CVR

اولویت	CVR	تعداد نظر «ضروری» (n _e)	تعداد خبرگان (N)	مقوله انتخابی
۱	۱	۱۵	۱۵	کاهش کیفیت گزارشگری مالی
۲	۱	۱۵	۱۵	افزایش اهمیت افشا و شفافیت
۳	۸۷٪	۱۴	۱۵	اختلال در واحد اندازه گیری حسابداری
۴	۸۷٪	۱۴	۱۵	افزایش ریسک تحریف اطلاعات مالی
۵	۸۷٪	۱۴	۱۵	ضرورت هماهنگی سیاست پولی و حسابداری
۶	۷۳٪	۱۳	۱۵	تأثیر بر حسابرسی و اطمینان بخشی
۷	۷۳٪	۱۳	۱۵	وابستگی موفقیت به زیرساخت های حسابداری
۸	۷۳٪	۱۳	۱۵	تضعیف تحلیل و تصمیم گیری مالی
۹	۶۶٪	۱۲	۱۵	افزایش هزینه های تطبیق سیستم های حسابداری
۱۰	۶۶٪	۱۲	۱۵	آثار رفتاری و ادراکی بر استفاده کنندگان



۴-۲-۱. تفسیر اولویت بندی مقوله‌ها

- اولویت بسیار بالا (اجماع کامل)
 - کاهش کیفیت گزارشگری مالی
 - افزایش اهمیت افشا و شفافیت
- اولویت بالا
 - اختلال در واحد اندازه‌گیری
 - ریسک تحریف اطلاعات
 - هماهنگی سیاست پولی و حسابداری
- اولویت متوسط-بالا
 - حسابرسی و اطمینان بخشی
 - زیرساخت‌های حسابداری
 - تحلیل و تصمیم‌گیری مالی
 - اولویت حمایتی
 - هزینه‌های تطبیق سیستم‌ها
 - آثار رفتاری و ادراکی

همه مقوله‌ها $CVR > 0.49$ دارند، بنابراین همگی مقوله‌ها از نظر خبرگان ضروری‌اند. بالاترین اجماع مربوط به کیفیت گزارشگری مالی و افشا و شفافیت با CVR برابر ۱ است. یعنی خبرگان معتقدند مسئله اصلی حذف صفرها، نمایش و تفسیر اطلاعات مالی است نه صرفاً عملیات فنی. این نگاه خبرگان بیانگر اهمیت محوری این ابعاد در پیامدهای حسابداری ناشی از کاهش صفرهای پولی است.

۴-۳. بخش سوم: معادلات ساختاری

در این قسمت با استفاده از شیوه‌های مناسبی از آمار استنباطی به تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده توسط پرسشنامه پژوهش پرداخته می‌شود تا در نهایت از نتایج به دست آمده شده جهت آزمون و بررسی فرضیه‌ها و پژوهش بهره‌گیری شود. در این پژوهش از شیوه مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد.



جدول ۷. آمار توصیفی کلی

متغیر	تعداد موارد معتبر (N)	تعداد موارد گمشده
جنس	۳۸۵	۰
سابقه	۳۸۵	۰
تحصیلات	۳۸۵	۰
سن	۳۸۵	۰

این جدول نشان می‌دهد که برای تمامی متغیرها، ۳۸۵ مورد معتبر وجود دارد و هیچ داده گمشده‌ای مشاهده نمی‌شود. این امر اطمینان از کامل بودن داده‌ها را برای تحلیل‌های بعدی فراهم می‌کند.

۴-۳-۱. آمار استنباطی SPSS

در این قسمت از پژوهش با استفاده از شیوه‌های آمار استنباطی به تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده می‌پردازیم تا در نهایت از نتایج حاصل شده جهت آزمون و استنتاج فرضیات تحقیق بهره‌گیری شود. در این تحقیق از روش معادلات ساختاری (SEM) استفاده گردید. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۷) به نمایش درآمده است.

جدول ۷. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات (N)	حداقل مقدار	حداکثر مقدار	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشی‌دگی
کیفیت گزارش‌گری مالی	۳۸۵	۴	۲۰	۱۰/۴۲	۳/۷۲	۱۳/۸۷	۰/۴۴۵	۰/۰۸
واحد اندازه‌گیری	۳۸۵	۴	۲۰	۱۱/۲۹	۴/۳۲	۱۸/۶۷۷	۰/۲۱۱	-۰/۷۷
ریسک تحریف	۳۸۵	۴	۲۰	۱۲/۱۷	۳/۸۱	۱۴/۵۳۸	-۰/۴۳۴	-۰/۰۰۵
هزینه‌های تطبیق	۳۸۵	۶	۲۰	۱۳/۲۹	۲/۷۲	۷/۴۱۰	-۰/۱۴۱	۰/۱۰۱
تحلیل/تصمیم‌گیری مالی	۳۸۵	۶	۲۰	۱۳/۶۵	۲/۵۹	۶/۷۰۹	-۰/۱۲۵	۰/۲۵۸
اهمیت شفافیت	۳۸۵	۳	۱۳	۹/۰۹	۲/۲۶	۵/۱۱۵	-۰/۱۵۲	-۰/۵۴۰
حسابرس/مسئولیت	۳۸۵	۲	۹	۶/۰۷	۱/۴۱	۲/۰۰۴	-۰/۲۰۵	-۰/۱۴۹
رفتار استفاده‌کنندگان	۳۸۵	۱	۵	۳/۳۸	۰/۸۵	۰/۷۳۱	۰/۰۵۵	۰/۱۹۳
زیرساخت حسابداری	۳۸۵	۱	۵	۳/۸۴	۰/۹۱	۰/۸۴۴	-۰/۷۶۵	۰/۵۱۴
سیاست پول حسابداری	۳۸۵	۱	۵	۴/۰۵	۱/۰۸	۱/۱۷۴	-۰/۹۳۱	-۰/۰۸۰

بر اساس جدول آمار توصیفی، بیشترین میانگین مربوط به متغیر تحلیل تصمیم‌گیری مالی با مقدار ۱۳,۶۵۸۹ است که نشان می‌دهد این متغیر در میان پاسخ‌دهندگان از سطح نسبتاً بالاتری برخوردار بوده است. پس از آن، هزینه‌های تطبیق با میانگین ۱۳,۲۹۱۷ و ریسک تحریف با میانگین ۱۲,۱۷۹۲ قرار دارند که بیانگر وضعیت نسبتاً بالا در این ابعاد است. در مقابل، کمترین میانگین مربوط به رفتار استفاده‌کنندگان با مقدار ۳,۳۸۲۸ است، هرچند با توجه به دامنه ۱ تا ۵، این مقدار نیز در سطح متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود. از نظر پراکندگی، متغیر واحد اندازه‌گیری با انحراف معیار ۴,۳۲۱۶۵ بیشترین پراکندگی را دارد و این مسئله نشان می‌دهد پاسخ‌ها درباره این متغیر از تنوع بیشتری برخوردار بوده‌اند. در برابر آن، رفتار استفاده‌کنندگان با انحراف معیار ۰,۸۵۵۰۲ کمترین پراکندگی را نشان می‌دهد و حاکی از تمرکز بیشتر پاسخ‌ها پیرامون میانگین است. مقایسه میانگین و میانه در اغلب متغیرها نشان می‌دهد فاصله این دو شاخص زیاد نیست و از این رو توزیع داده‌ها در بسیاری از متغیرها از نظر مرکزی نسبتاً متعادل به نظر می‌رسد. با این حال، شاخص چولگی نشان می‌دهد برخی متغیرها مانند سیاست پولی حسابداری و زیرساخت حسابداری دارای چولگی منفی بیشتری هستند، به این معنا که فراوانی نمرات بالا در آن‌ها بیشتر بوده است. در مقابل، کیفیت گزارشگری مالی و واحد اندازه‌گیری دارای چولگی مثبت‌اند، یعنی تمرکز مشاهدات در سطوح پایین‌تر اندکی بیشتر از سطوح بالاتر بوده است. از حیث کشیدگی نیز زیرساخت حسابداری با مقدار ۰,۵۱۴ توزیعی نسبتاً کشیده‌تر از نرمال دارد، در حالی که واحد اندازه‌گیری با کشیدگی منفی ۰,۷۷۸ توزیعی مسطح‌تر از نرمال را نشان می‌دهد. در مجموع، این نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای پژوهش از نظر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی در وضعیت قابل قبولی قرار دارند.

جدول ۸. خلاصه پردازش داده‌ها

متغیر	موارد معتبر	درصد معتبر	داده گمشده	درصد گمشده	کل	درصد کل
کیفیت گزارشگری مالی	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪
واحد اندازه‌گیری	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪
ریسک تحریف	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪
هزینه‌های تطبیق	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪
تحلیل تصمیم‌گیری مالی	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪
اهمیت افشای شفافیت	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪
حسابرسی و اطمینان بخشی	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪
رفتار استفاده‌کنندگان	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪
زیرساخت حسابداری	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪
سیاست پولی حسابداری	۳۸۵	۱۰۰٪	۰	۰٪	۳۸۵	۱۰۰٪



این جدول نشان می‌دهد که برای تمامی متغیرهای پژوهش، تعداد ۳۸۵ مشاهده معتبر ثبت شده است و هیچ داده گمشده‌ای در مجموعه داده وجود ندارد. یکسان بودن تعداد داده‌های معتبر در همه متغیرها بیانگر انسجام کامل بانک اطلاعاتی و دقت مناسب در فرایند گردآوری داده‌هاست.

جدول ۹. آزمون نرمال بودن متغیرها

متغیر	آماره کلوموگروف-اسمیرنوف	درجه آزادی	سطح معناداری	آماره شاپیرو-ویلک	درجه آزادی	سطح معناداری
کیفیت گزارشگری مالی	۰٫۱۴۲	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۹۵۹	۳۸۵	۰٫۰۰۰
واحد اندازه‌گیری	۰٫۰۷۹	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۹۶۵	۳۸۵	۰٫۰۰۰
ریسک تحریف	۰٫۱۲۸	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۹۵۴	۳۸۵	۰٫۰۰۰
هزینه‌های تطبیق	۰٫۱۳۶	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۹۷۴	۳۸۵	۰٫۰۰۰
تحلیل تصمیم‌گیری مالی	۰٫۱۶۰	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۹۵۲	۳۸۵	۰٫۰۰۰
اهمیت افشای شفافیت	۰٫۱۴۳	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۹۵۱	۳۸۵	۰٫۰۰۰
حسابرسی و اطمینان بخشی	۰٫۱۵۹	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۹۴۳	۳۸۵	۰٫۰۰۰
رفتار استفاده‌کنندگان	۰٫۲۷۸	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۸۶۳	۳۸۵	۰٫۰۰۰
زیرساخت حسابداری	۰٫۲۷۶	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۸۵۴	۳۸۵	۰٫۰۰۰
سیاست پولی حسابداری	۰٫۲۶۹	۳۸۵	۰٫۰۰۰	۰٫۸۰۵	۳۸۵	۰٫۰۰۰

نتایج آزمون نرمال بودن نشان می‌دهد که برای تمامی متغیرهای پژوهش، سطح معناداری در هر دو آزمون کلوموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک کمتر از ۰٫۰۵ و برابر با ۰٫۰۰۰ گزارش شده است. این یافته به روشنی بیانگر آن است که توزیع داده‌های هیچ یک از متغیرها نرمال نیست. به عبارت دیگر، فرض صفر در آزمون نرمال بودن برای همه متغیرها رد می‌شود و باید پذیرفت که داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت نمی‌کنند. این نتیجه با توجه به ماهیت بسیاری از متغیرها که احتمالاً بر مبنای طیف لیکرت یا مقیاس‌های رتبه‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، قابل انتظار است. همچنین مقادیر نسبتاً بالای آماره‌های آزمون برای متغیرهایی مانند رفتار استفاده‌کنندگان، زیرساخت حسابداری و سیاست پولی حسابداری نشان می‌دهد میزان فاصله این متغیرها از توزیع نرمال بیشتر از سایر متغیرهاست. از سوی دیگر، هرچند برخی شاخص‌های چولگی و کشیدگی در بخش آمار توصیفی بسیار شدید نبودند، اما آزمون‌های رسمی نرمال بودن نشان داده‌اند که این انحراف‌ها از دیدگاه آماری معنادار هستند. در نمونه‌های بزرگ مانند حجم نمونه ۳۸۵، آزمون‌های نرمالیتی معمولاً نسبت به انحراف‌های کوچک نیز حساسیت بالایی دارند و همین امر می‌تواند منجر به

معنادار شدن نتایج شود. بنابراین در تفسیر این یافته‌ها باید هم‌زمان به شاخص‌های چولگی، کشیدگی، میانه و میانگین نیز توجه داشت. با این حال، از منظر آماری، نتیجه نهایی آن است که شرط نرمال بودن داده‌ها برقرار نیست. بر این اساس، در مراحل بعدی تحلیل، در صورت نیاز، استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک یا روش‌هایی که نسبت به نقض نرمال بودن مقاوم هستند، می‌تواند مناسب‌تر باشد. در مجموع، جدول آزمون نرمال بودن تأکید می‌کند که ساختار توزیعی متغیرهای این پژوهش به طور کامل با الگوی نرمال منطبق نیست.

جدول ۱۰. آماره‌های پایایی (Cronbach's Alpha)

آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها
۰٫۶۵۶	۱۰

جدول ۱۱. آماره‌های کل-گویه (Item-Total Statistics)

متغیر	میانگین مقیاس در صورت حذف گویه	واریانس مقیاس در صورت حذف گویه	همبستگی اصلاح شده کل-گویه	آلفای کرونباخ در صورت حذف گویه
کیفیت گزارشگری مالی	۷۶٫۸۸	۱۱۹٫۲۰	۰٫۴۹۷	۰٫۵۸۵
واحد اندازه‌گیری	۷۶٫۰۲	۱۰۶٫۴۹	۰٫۵۴۲	۰٫۵۷۱
ریسک تحریف	۷۵٫۱۳	۱۱۹٫۸۰	۰٫۴۶۹	۰٫۵۹۴
هزینه‌های تطبیق	۷۴٫۰۲	۱۴۶٫۹۹	۰٫۲۹۰	۰٫۶۳۸
تحلیل تصمیم‌گیری مالی	۷۳٫۶۵	۱۴۳٫۳۷	۰٫۳۷۸	۰٫۶۲۰
اهمیت افشای شفافیت	۷۸٫۲۱	۱۵۸٫۲۵	۰٫۱۷۸	۰٫۶۵۶
حسابرسی و اطمینان بخشی	۸۱٫۲۳	۱۵۷٫۹۷	۰٫۳۸۱	۰٫۶۳۳
رفتار استفاده‌کنندگان	۸۳٫۹۳	۱۶۹٫۹۸	۰٫۱۲۶	۰٫۶۵۹
زیرساخت حسابداری	۸۳٫۴۶	۱۷۰٫۱۳	۰٫۱۰۶	۰٫۶۶۱
سیاست پولی حسابداری	۸۳٫۲۶	۱۶۷٫۰۶	۰٫۱۸۹	۰٫۶۵۴

تحلیل پایایی نشان می‌دهد که ضریب آلفای کرونباخ کلی برای این ۱۰ گویه برابر با ۰٫۶۵۶ است که اگرچه در برخی متون کلاسیک در پژوهش‌های اکتشافی «قابل قبول» در نظر گرفته می‌شود، اما نسبت به آستانه استاندارد ۰٫۷۰ پایین‌تر است و نشان‌دهنده سطح متوسطی از همسانی درونی گویه‌ها می‌باشد. بررسی آماره‌های «کل-گویه» آشکار می‌سازد که گویه‌های «زیرساخت حسابداری» (با همبستگی ۰٫۱۰۶) و «رفتار استفاده‌کنندگان» (با همبستگی ۰٫۱۲۶) کمترین همبستگی را با نمره کل مقیاس دارند، به طوری که حذف



آن‌ها می‌تواند منجر به افزایش جزئی در ضریب آلفای کرونباخ کل شود. گویه‌هایی نظیر «کیفیت گزارشگری مالی» و «واحد اندازه‌گیری» دارای همبستگی‌های اصلاح‌شده بالاتری هستند که بیانگر قدرت تبیین و همسانی بیشتر آن‌ها با سازه کلی پژوهش است. با توجه به پایین بودن همبستگی برخی گویه‌ها، پیشنهاد می‌شود پژوهشگر نسبت به بازنگری در محتوای گویه‌های مذکور یا بررسی ابعاد سازه اقدام نماید، زیرا پایین بودن همبستگی کل-گویه می‌تواند نشان‌دهنده عدم تعلق آن گویه به سازه مورد سنجش یا وجود تفاوت در ابعاد مفهومی باشد. از آنجا که آلفای کرونباخ در صورت حذف گویه‌های «زیرساخت حسابداری» (۰/۶۶۱) و «رفتار استفاده‌کنندگان» (۰/۶۵۹) روند افزایشی نشان می‌دهد، لازم است در گزارش نهایی به این ضعف ساختاری در سازه اشاره شود یا در صورت امکان از تکنیک‌های تحلیل عاملی برای اطمینان از تک‌بعدی بودن سازه استفاده گردد. در نهایت، با وجود این همسانی درونی نسبی، باید در تعمیم نتایج حاصل از این مقیاس احتیاط علمی لحاظ گردد و تأثیر گویه‌های کم‌ارتباط بر نتایج مدل‌های ساختاری آتی به دقت پایش شود.

جدول ۱۲. ماتریس همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)
(۱) کیفیت گزارشگری مالی	۱	۰/۷۱۹	۰/۵۸۳	-۰/۰۲۳	۰/۰۴۷	-۰/۰۱۱	۰/۱۰۳	-۰/۱۲۱	-۰/۰۱۵	۰/۰۳۵
(۲) واحد اندازه‌گیری		۱	۰/۶۵۱	۰/۰۲۴	۰/۰۷۵	۰/۰۳۱	۰/۰۸۰	-۰/۱۶۱	۰/۰۲۰	۰/۱۰۱
(۳) ریسک تحریف			۱	-۰/۰۳۱	۰/۰۵۳	-۰/۰۰۱	۰/۰۳۰	-۰/۰۸۲	۰/۰۲۵	۰/۰۹۸
(۴) هزینه‌های تطبیق				۱	۰/۰۶۶	۰/۰۲۴	۰/۰۵۲	۰/۳۸۳	۰/۰۶۹	۰/۰۹۷
(۵) تحلیل تصمیم‌گیری مالی					۱		۰/۲۸۸	۰/۵۲۳	۰/۳۴۸	۰/۱۸۲
(۶) اهمیت افشای شفافیت						۱		۰/۲۴۴	۰/۱۸۹	۰/۱۳۳
(۷) حساسی و اطمینان بخشی							۱		۰/۴۰۶	۰/۰۵۳
(۸) رفتار استفاده‌کنندگان								۱	۰/۰۹۱	۰/۰۶۸
(۹) زیرساخت حسابداری									۱	۰/۳۵۹
(۱۰) سیاست پولی حسابداری										۱

تحلیل ماتریس همبستگی پیرسون نشان‌دهنده وجود روابط معنادار و متنوعی میان ابعاد مختلف پژوهش است که در این میان، قوی‌ترین رابطه مثبت و مستقیم بین «کیفیت گزارشگری مالی» و «واحد اندازه‌گیری» با ضریب ۰/۷۱۹ مشاهده می‌شود که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین رابطه میان «واحد اندازه‌گیری» و «ریسک تحریف» (۰/۶۵۱) و نیز «هزینه‌های تطبیق» با «تحلیل تصمیم‌گیری مالی»

(۶۶۹) از نوع مستقیم و در سطح بالایی ارزیابی می‌شود که حاکی از هم‌سویی استراتژیک این متغیرها در نظام حسابداری مورد مطالعه است. نکته حائز اهمیت در این ماتریس، وجود همبستگی‌های منفی و معنادار «رفتار استفاده‌کنندگان» با «واحد اندازه‌گیری» (۱۶۱-) و «کیفیت گزارشگری مالی» (۱۲۱-) است که نشان می‌دهد با افزایش دقت در واحد اندازه‌گیری و کیفیت گزارشگری، تمایلات رفتاری خاصی در استفاده‌کنندگان به شکل معکوس تحت تأثیر قرار می‌گیرد. متغیر «حسابرسی و اطمینان بخشی» نیز روابط میان‌رده و معناداری با «هزینه‌های تطبیق» و «تحلیل تصمیم‌گیری» دارد که نقش میانجی یا تقویتی این متغیر را در فرآیندهای مالی برجسته می‌کند. از سوی دیگر، متغیرهایی مانند «زیرساخت حسابداری» کمترین میزان همبستگی را با متغیرهای ابتدایی جدول (مانند کیفیت گزارشگری) نشان داده‌اند که بیانگر استقلال نسبی این ابعاد فنی از شاخص‌های خروجی گزارشگری است. وجود ضرایب همبستگی بالای ۰٫۷ در برخی جفت متغیرها می‌تواند هشدار برای بروز پدیده هم‌خطی در تحلیل‌های رگرسیونی آتی باشد که پژوهشگر باید با استفاده از شاخص VIF آن را کنترل نماید. در مجموع، توزیع ضرایب نشان‌دهنده یکپارچگی درونی مدل در خوشه‌های خاص (مانند خوشه گزارشگری و خوشه تصمیم‌گیری) و افتراق مفهومی در سایر بخش‌هاست که اعتبار سازه را برای ورود به مرحله مدل‌سازی معادلات ساختاری تأیید می‌کند.

جدول ۱۳. ماتریس همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. کیفیت گزارشگری مالی	۱	**۰٫۶۸۹	**۰٫۵۵۵	-۰٫۰۶۷	-۰٫۰۱۲	-۰٫۰۵۳	۰٫۰۴۴	*-۰٫۱۱۳	۰٫۰۱۸	۰٫۰۳۳
۲. واحد اندازه‌گیری	**۰٫۶۸۹	۱	**۰٫۶۲۵	۰٫۰۰۳	۰٫۰۳۶	۰٫۰۳۲	۰٫۰۶۱	*-۰٫۱۳۹	۰٫۰۳۹	*۰٫۱۱۱
۳. ریسک تحریف	**۰٫۵۵۵	**۰٫۶۲۵	۱	-۰٫۰۴۸	۰٫۰۲۳	-۰٫۰۱۱	۰٫۰۱۸	-۰٫۰۸۸	۰٫۰۰۳	۰٫۰۸۳
۴. هزینه‌های تطبیق	-۰٫۰۶۷	۰٫۰۰۳	-۰٫۰۴۸	۱	**۰٫۶۵۸	**۰٫۲۱۹	**۰٫۵۷۴	**۰٫۳۶۹	۰٫۰۵۴	۰٫۰۷۱
۵. تحلیل تصمیم‌گیری مالی	-۰٫۰۱۲	۰٫۰۳۶	۰٫۰۲۳	**۰٫۶۵۸	۱	**۰٫۲۱۱	**۰٫۵۱۴	**۰٫۳۸۲	۰٫۰۹۵	**۰٫۱۴۹
۶. اهمیت افشای شفافیت	-۰٫۰۵۳	۰٫۰۳۲	-۰٫۰۱۱	**۰٫۲۱۹	**۰٫۲۱۱	۱	*۰٫۲۶۲	*۰٫۱۷۶	۰٫۰۸۷	۰٫۰۷۲
۷. حسابرسی و اطمینان بخشی	۰٫۰۴۴	۰٫۰۶۱	۰٫۰۱۸	**۰٫۵۷۴	**۰٫۵۱۴	*۰٫۲۶۲	۱	**۰٫۴۴۷	۰٫۰۴۱	۰٫۰۳۷
۸. رفتار استفاده‌کنندگان	*-۰٫۱۱۳	*-۰٫۱۳۹	-۰٫۰۸۸	**۰٫۳۶۹	**۰٫۳۸۲	**۰٫۱۷۶	**۰٫۴۴۷	۱	۰٫۰۸۰	۰٫۰۵۹
۹. زیرساخت حسابداری	۰٫۰۱۸	۰٫۰۳۹	۰٫۰۰۳	۰٫۰۵۴	۰٫۰۹۵	۰٫۰۸۷	۰٫۰۴۱	۰٫۰۸۰	۱	**۰٫۳۱۰
۱۰. سیاست پولی و حسابداری	۰٫۰۳۳	*۰٫۱۱۱	۰٫۰۸۳	۰٫۰۷۱	**۰٫۱۴۹	۰٫۰۷۲	۰٫۰۳۷	۰٫۰۵۹	**۰٫۳۱۰	۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر بر اساس خروجی نرم‌افزار SPSS

نتایج جدول همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین برخی از متغیرهای پژوهش روابط مثبت و معناداری وجود دارد و این موضوع بیانگر آن است که ابعاد مختلف اثرات کاهش تعداد صفرهای پولی بر حسابداری و گزارشگری مالی به صورت هم‌زمان و مرتبط با یکدیگر تغییر می‌کنند. در این میان، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و واحد اندازه‌گیری با مقدار ۰/۶۸۹ است که در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده و نشان‌دهنده یک رابطه مثبت و نسبتاً قوی بین این دو متغیر است. همچنین بین واحد اندازه‌گیری و ریسک تحریف ضریب همبستگی ۰/۶۲۵ و بین کیفیت گزارشگری مالی و ریسک تحریف ضریب ۰/۵۵۵ مشاهده شد که هر دو در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده و بیانگر پیوستگی مفهومی این سه متغیر در حوزه گزارشگری مالی هستند. در بخش دیگری از نتایج، هزینه‌های تطبیق با تحلیل تصمیم‌گیری مالی دارای همبستگی مثبت و نسبتاً قوی ۰/۶۵۸ است و با حسابرسی و اطمینان بخشی نیز ضریب ۰/۵۷۴ را نشان می‌دهد که هر دو معنادارند. این یافته حاکی از آن است که هرچه هزینه‌های ناشی از تطبیق با تغییرات پولی بیشتر باشد، پیامدهای آن در فرایند تصمیم‌گیری مالی و الزامات حسابرسی و اطمینان بخشی بیشتر نمایان می‌شود. افزون بر این، تحلیل تصمیم‌گیری مالی با حسابرسی و اطمینان بخشی نیز همبستگی مثبت ۰/۵۱۴ دارد که نشان‌دهنده ارتباط معنادار این دو بعد در ارزیابی آثار تغییرات پولی است.

همچنین نتایج نشان داد رفتار استفاده‌کنندگان با هزینه‌های تطبیق، تحلیل تصمیم‌گیری مالی، اهمیت افشای شفافیت و حسابرسی و اطمینان بخشی روابط مثبت و معناداری دارد. این وضعیت بیانگر آن است که واکنش و رفتار استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی تحت تأثیر متغیرهای اجرایی، تحلیلی و نظارتی قرار می‌گیرد. با این حال، رابطه رفتار استفاده‌کنندگان با کیفیت گزارشگری مالی و واحد اندازه‌گیری منفی و معنادار به دست آمده است که اگرچه از نظر شدت ضعیف است، اما می‌تواند نشان‌دهنده وجود نوعی پیچیدگی ادراکی یا حساسیت رفتاری استفاده‌کنندگان در مواجهه با تغییرات مربوط به نحوه اندازه‌گیری و کیفیت اطلاعات مالی باشد.

از سوی دیگر، زیرساخت حسابداری با اغلب متغیرهای پژوهش رابطه معناداری نشان نداد و تنها با سیاست پولی و حسابداری دارای همبستگی مثبت و معنادار ۰/۳۱۰ بود. این یافته نشان می‌دهد که زیرساخت‌های حسابداری بیش از آنکه مستقیماً با ابعاد ادراکی و اجرایی دیگر مرتبط باشند، از سیاست‌گذاری‌های کلان پولی و حسابداری تأثیر می‌پذیرند. همچنین رابطه سیاست پولی و حسابداری با تحلیل تصمیم‌گیری مالی و واحد اندازه‌گیری نیز مثبت و معنادار گزارش شد، هرچند شدت این روابط در سطح ضعیف قرار دارد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای پژوهش الگوی یکنواختی از همبستگی وجود ندارد، بلکه برخی متغیرها در قالب خوشه‌های مفهومی مشخص با یکدیگر ارتباط دارند. به طور خاص، یک خوشه شامل کیفیت گزارشگری مالی، واحد اندازه‌گیری و ریسک تحریف و خوشه دیگر

شامل هزینه‌های تطبیق، تحلیل تصمیم‌گیری مالی، حسابرسی و اطمینان بخشی و رفتار استفاده‌کنندگان است. این نتایج نشان می‌دهد که آثار کاهش تعداد سفرهای پولی بر نظام حسابداری و گزارشگری مالی، پدیده‌ای چندبعدی است و ابعاد مختلف آن الزاماً با شدت یکسان با یکدیگر مرتبط نیستند.

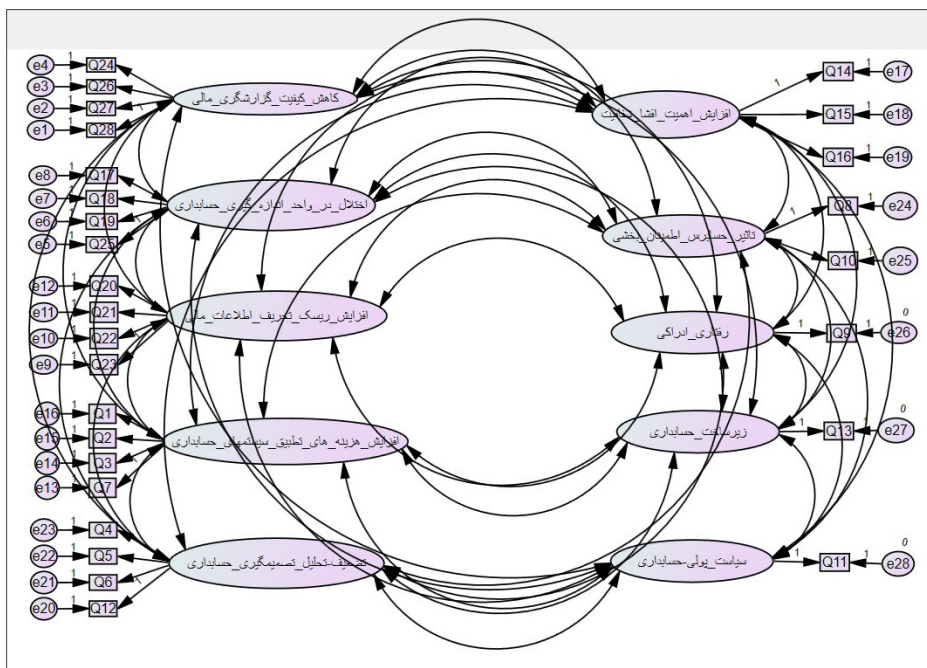
۴-۳-۲. تجزیه و تحلیل آماری AMOS

در این قسمت از پژوهش توسط شیوه‌های آمار استنباطی به تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده پرداخته می‌گردد تا در نهایت از نتایج حاصل شده جهت آزمون و استنتاج فرضیات تحقیق بهره‌گیری شود. در این تحقیق از روش معادلات ساختاری^۱ استفاده گردید. مدل سازی معادلات ساختاری یکی از فنون مدل سازی آماری است که فنون دیگری مانند رگرسیون چند متغیره، تجزیه و تحلیل عاملی و تجزیه تحلیل مسیر را در بر می‌گیرد و تمرکز اصلی آن بر روی متغیرهای پنهان است که توسط شاخص‌های اندازه‌پذیر و متغیرهای آشکار، تعریف می‌گردد. با استفاده از این روش می‌توان روابط علت و معلولی میان متغیرهایی که بطور مستقیم قابل مشاهده نیستند را با توجه به خطاها استنتاج نمود و میزان همبستگی و شدت اثرگذاری هر یک را بر دیگری، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این روش مانند رگرسیون، کمی سازی روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته صورت می‌گیرد. البته بر خلاف پارامترهای رگرسیون که همبستگی‌های تجربی را نشان می‌دهد پارامترهای ساختاری، همبستگی‌های علی را تبیین می‌کنند (هومن، ۱۳۸۴). در نمودارهای زیر به ترتیب مدل معادلات ساختاری متغیرهای تحقیق در حالت ضرایب معناداری و ضرایب ساختاری نشان داده شده است. چنانچه در حالت ضرایب معناداری، آماره t خارج از بازه $+1.96$ و -1.96 قرار داشته باشد فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرد.

۴-۳-۳. تحلیل عاملی تأییدی

قبل از برازش مدل ساختاری، لازم است بررسی شود آیا ۲۸ گویه مشاهده شده (شامل سئوالات پرسشنامه) ۱۰ بعد یا مفهوم را منعکس می‌کنند؟ برازش کلی مدل اندازه‌گیری توسط تحلیل عاملی تأییدی^۲ (CFA) تعیین می‌شود. نمودار (۲) مدل اندازه‌گیری را برای این تحقیق نشان می‌دهد. در این مدل متغیرهای مشاهده شده و متغیرهای پنهان با اسامی خود مشخص شده‌اند.





نمودار ۲. مدل تحلیل عاملی

نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که مدل مفهومی پژوهش از نظر آماری قابل برآورد و شناسایی بوده و بنابراین، از حیث تکنیکی امکان آزمون روابط پیشنهادی در چارچوب نرم افزار AMOS فراهم شده است. با این حال، بررسی شاخص های برازش کلی مدل حاکی از آن است که الگوی مفروض پژوهش در وضعیت فعلی، انطباق مطلوبی با داده های تجربی ندارد و برای دستیابی به یک مدل نهایی قابل اتکا، نیازمند بازنگری و بهینه سازی است. به ویژه، مقادیر شاخص هایی مانند CFI، TLI، NFI و RMSEA نشان می دهند که برازش کلی مدل در سطح مطلوب قرار نداشته و نمی توان آن را به عنوان یک مدل نهایی و تثبیت شده پذیرفت.

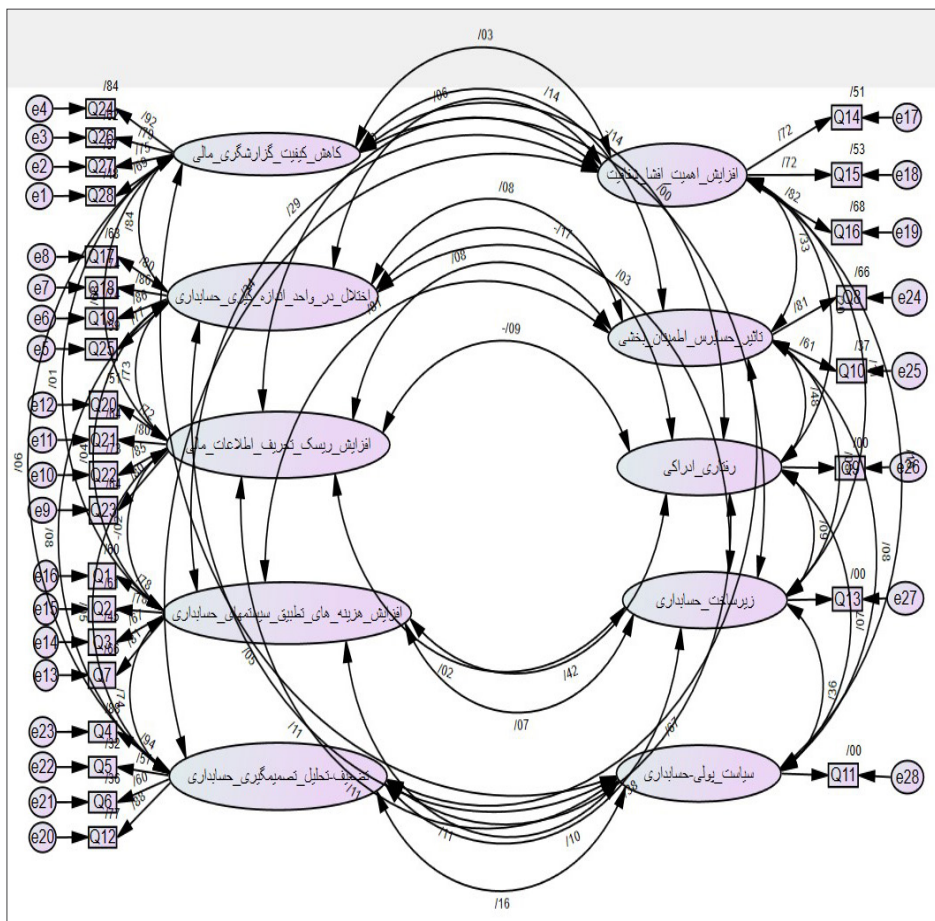
علاوه بر این، نتایج مربوط به مسیرهای ساختاری بیانگر آن است که همه روابط فرض شده بین متغیرهای نهفته از پشتوانه تجربی یکسانی برخوردار نبوده اند. برخی مسیرها از نظر آماری معنادار و قوی بوده اند، در حالی که تعدادی دیگر ضرایب ضعیف یا غیرمعنادار نشان داده اند. این مسئله بیانگر آن است که بخشی از روابط مفهومی مدل نیازمند بازبینی نظری و تجربی است تا ساختار نهایی مدل با داده های گردآوری شده سازگاری بیشتری پیدا کند.

از سوی دیگر، بررسی بارهای عاملی گویه‌ها نیز نشان داد که برخی از شاخص‌های مشاهده‌شده، سهم محدودی در تبیین سازه‌های نهفته مربوطه داشته‌اند و از اعتبار اندازه‌گیری مطلوبی برخوردار نبوده‌اند. وجود بارهای عاملی ضعیف در برخی گویه‌ها نشان می‌دهد که همه آیت‌ها به یک میزان در سنجش سازه‌ها مشارکت نداشته‌اند و حذف یا اصلاح گویه‌های مسئله‌دار می‌تواند به بهبود پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری کمک کند. بنابراین، ضروری است که پیش از تفسیر نهایی یافته‌ها، مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری به صورت هم‌زمان مورد بازنگری قرار گیرند.

در مجموع، می‌توان گفت که اگرچه مدل پژوهش از نظر آماری قابل اجرا و برآورد بوده است، اما شواهد موجود نشان می‌دهد که برای رسیدن به یک الگوی نهایی با برازش مناسب، باید برخی گویه‌های ضعیف حذف شوند، مسیرهای غیرمعنادار بر اساس منطق نظری بازنگری شوند، و در صورت توجیه مفهومی، از شاخص‌های اصلاحی برای بهبود برازش استفاده گردد. بدین ترتیب، مدل نهایی می‌تواند نمایانگر ساختاری دقیق‌تر، پایاتر و منطبق‌تر با داده‌های تجربی باشد.

پس از اجرای مدل فوق، برخی اصلاحات توسط نرم‌افزار پیشنهاد شد که اجرای آنها باعث بهبود مدل گردید، اصلاحات پیشنهادی نرم‌افزار به صورت آزادسازی کوواریانس میان تعدادی از عبارات خطا بود. مدل اندازه‌گیری به همراه اصلاحات آن در (نمودار ۳) قابل مشاهده است.



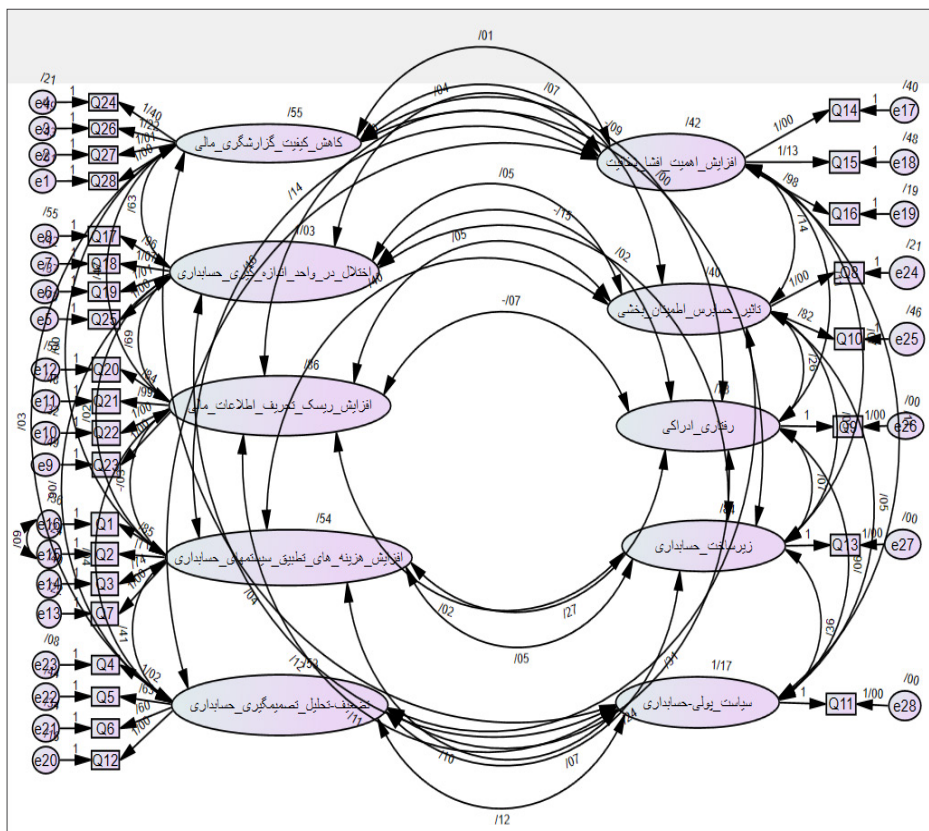


نمودار ۳. مدل تحلیل عاملی با ضرایب استاندارد شده

در شکل فوق اعداد به نمایش درآمده بر روی مسیرها ضرایب استاندارد شده هستند. ضرایب استاندارد شده همان ضرایب مدل هستند و امکان مقایسه آنها برای متغیرهای مختلف وجود دارد.

۴-۳-۴. مدل ساختاری پژوهش

در این قسمت مدل ساختاری تحقیق جهت آزمون فرضیات اصلی برازش می یابد. این مدل در (نمودار ۴) به نمایش درآمده است.



نمودار ۴. مدل ساختاری پژوهش

در ادامه (جدول ۱۴) شاخص های برازش ۱۰ مدل فوق به نمایش درآمده است. اگر مقادیر شاخص های برازش در محدوده ی مطلوب قرار گیرند نشان دهنده ی مناسب بودن مدل برای داده های گردآوری شده هستند.

جدول ۱۴. شاخص های برازش مدل پژوهش

شاخص های برازندگی	CMIN/DF	GFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
الگوی اصلی (خروجی نهایی)	۳.۱۰۸	۰.۸۶۵	۰.۹۰۱	۰.۸۷۲	۰.۹۰۰	۰.۸۶۱	۰.۰۷۴
سطح قابل قبول	۵ تا ۱	نزدیک به ۱	بیشتر از ۰.۹	بیشتر از ۰.۹	بیشتر از ۰.۹	بیشتر از ۰.۹	کوچک تر از ۰.۰۸
نتیجه ارزیابی	برازش مطلوب	برازش نسبتاً مطلوب	برازش مطلوب	برازش در مرز پذیرش	برازش مطلوب	برازش نسبتاً مطلوب	برازش مطلوب



تفسیر شاخص‌های برازش مدل (ویرایش شده بر اساس خروجی نهایی)

- **شاخص کای دو بر درجه آزادی (CMIN/DF):** معیاری بنیادی که میزان عدم تطابق مدل با داده‌ها را نشان می‌دهد. مقادیر ایده‌آل بین ۱ تا ۲ قرار دارند (برازش عالی)، تا ۵ (برازش خوب و قابل قبول). مقدار ۳.۱۰۸ برای مدل پژوهش شما در محدوده کاملاً قابل قبول قرار گرفته و بیانگر تناسب مطلوب ساختار مدل است.
- **شاخص برازش نیکویی (GFI):** میزان تبیین واریانس یا کوواریانس موجود در داده‌ها توسط مدل. مقادیر بیشتر از ۰.۹۰ نشان دهنده برازش خوب است، اما مقادیر بالاتر از ۰.۸۰ نیز در مدل‌های پیچیده قابل قبول است. مقدار ۰.۸۶۵ برای GFI شما در محدوده برازش قابل قبول جای می‌گیرد.
- **شاخص برازش تطبیقی (CFI):** میزان بهبود برازش مدل نسبت به یک مدل استقلال. مقادیر بیشتر از ۰.۹۰ نشان دهنده برازش خوب و قابل قبول است. مقدار CFI شما دقیقاً ۰.۹۰ است که در آستانه استاندارد و مطلوب قرار دارد.
- **شاخص توکر-لوئیس (TLI):** برازش مدل نسبت به یک مدل خط مبنا با در نظر گرفتن درجات آزادی و حجم نمونه. مقادیر بیشتر از ۰.۹۰ تناسب مطلوب و مقادیر نزدیک به آن تناسب قابل قبول را نشان می‌دهند. مقدار TLI شما ۰.۸۷۲ است که با توجه به پیچیدگی مدل، نشان دهنده برازش مناسبی است.
- **شاخص برازش فزاینده (IFI):** میزان افزایش در برازش نسبت به مدل استقلال. مقادیر بیشتر از ۰.۹۰ به عنوان برازش خوب تلقی می‌شوند. مقدار IFI شما ۰.۹۰۱ است که از حد مطلوب ۰.۹۰ عبور کرده و نشان دهنده برازش بسیار خوب مدل است.
- **ریشه دوم میانگین مجزورات خطای برآورد (RMSEA):** عدم برازش در هر درجه آزادی را اندازه‌گیری می‌کند. مقادیر بین ۰.۰۵ تا ۰.۰۸ به عنوان برازش خوب و قابل قبول تلقی می‌شوند. مقدار RMSEA مدل نهایی شما ۰.۰۷۴ است که کاملاً در محدوده مجاز (کمتر از ۰.۰۸) قرار دارد و همراه با مقادیر CFI و IFI، تعادل خوبی بین دقت و پیچیدگی مدل را نشان می‌دهد.



جدول شماره ۱۵. آزمون روابط و همبستگی بین متغیرهای پژوهش (تحلیل فرضیات)

مسیر بررسی رابطه (ارتباط دوطرفه)	برآورد کوواریانس	ضریب همبستگی	آماره آزمون (تی)	سطح معناداری	نتیجه نهایی
کاهش کیفیت گزارشگری <-> واحد اندازه‌گیری	۰.۶۹۱	۰.۸۹۹	۹.۳۷۱	***	معنادار
کاهش کیفیت گزارشگری <-> افزایش ریسک تحریف	۰.۴۲۰	۰.۶۹۷	۷.۹۸۸	***	معنادار
کاهش کیفیت گزارشگری <-> افزایش هزینه‌های تطبیق	-۰.۰۰۸	-۰.۰۱۷	-۰.۲۷۶	۰.۷۸۳	فاقد معنا
واحد اندازه‌گیری <-> افزایش ریسک تحریف	۰.۷۶۵	۰.۷۷۹	۹.۴۲۹	***	معنادار
افزایش هزینه‌های تطبیق <-> اهمیت افشا و شفافیت	۰.۱۵۵	۰.۳۳۳	۴.۷۵۴	***	معنادار
افزایش هزینه‌های تطبیق <-> تضعیف تحلیل و تصمیم‌گیری	۰.۴۳۱	۰.۸۱۶	۱۰.۲۸۱	***	معنادار
افزایش هزینه‌های تطبیق <-> تاثیر حسابرسی	۰.۴۰۷	۰.۸۹۹	۱۰.۲۲۳	***	معنادار
اهمیت افشا و شفافیت <-> تضعیف تحلیل و تصمیم‌گیری	۰.۱۶۳	۰.۳۴۳	۵.۲۶۹	***	معنادار
اهمیت افشا و شفافیت <-> تاثیر حسابرسی	۰.۱۳۴	۰.۳۳۰	۴.۵۸۳	***	معنادار
تضعیف تحلیل و تصمیم‌گیری <-> تاثیر حسابرسی	۰.۳۱۱	۰.۶۷۵	۸.۹۱۷	***	معنادار
آثار رفتاری و ادراکی <-> کاهش کیفیت گزارشگری	-۰.۰۸۱	-۰.۱۳۷	-۲.۵۲۸	۰.۰۱۱	معنادار
آثار رفتاری و ادراکی <-> واحد اندازه‌گیری	-۰.۱۷۲	-۰.۱۸۰	-۳.۲۹۵	***	معنادار
سیاست پولی <-> افزایش اهمیت افشا و شفافیت	۰.۱۱۲	۰.۱۶۰	۲.۷۶۶	۰.۰۰۶	معنادار
سیاست پولی <-> موفقیت زیرساخت حسابداری	۰.۳۵۶	۰.۳۵۹	۶.۶۱۵	***	معنادار

این جدول به منظور آزمون فرضیات و بررسی شدت و جهت روابط میان سازه‌های اصلی پژوهش تنظیم شده است. در تحلیل‌های آماری، اگر آماره آزمون (تی) خارج از محدوده ± ۱.۹۶ قرار گیرد و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ باشد، رابطه معنادار تلقی می‌گردد.

یافته‌ها نشان‌دهنده روابط قوی و معنادار میان اکثر ابعاد مورد بررسی است. به عنوان مثال، ارتباط میان «کاهش کیفیت گزارشگری مالی» و «تغییرات واحد اندازه‌گیری» با ضریب همبستگی ۰.۸۹۹ و آماره آزمون ۹.۳۷۱ کاملاً معنادار است، که نشان می‌دهد تغییر در ساختار واحد پولی (حذف صفرها) با چالش‌های اندازه‌گیری در حسابداری و تبعات آن بر کیفیت گزارش‌ها در هم تنیده است. در مقابل، رابطه میان «کاهش کیفیت گزارشگری» و «افزایش هزینه‌های تطبیق» با سطح معناداری ۰.۷۸۳ (بیشتر از ۰.۰۵) و آماره آزمون -۰.۲۷۶، فاقد معناداری آماری است. این موضوع بیانگر آن است که از دیدگاه جامعه آماری پژوهش، صرف افزایش هزینه‌های تطبیق سیستم‌ها به طور مستقیم عامل کاهش کیفیت گزارشگری مالی محسوب نمی‌شود. به طور کلی، این جدول تصویری شفاف از شبکه‌ی روابط میان پیامدهای حسابداری ناشی از سیاست‌های پولی ارائه می‌دهد.



۵. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

پژوهش حاضر با هدف تبیین اثرات کاهش تعداد صفرهای واحد پولی بر نظام حسابداری و گزارشگری مالی ایران، با اتخاذ یک رویکرد روش‌شناختی آمیخته انجام شد. در بخش کیفی، از طریق مصاحبه با ۱۵ خبره و طی یک فرآیند کدگذاری سیستماتیک، ۱۰ مقوله محوری استخراج گردید که روایی محتوایی آن‌ها با مدل لاوشه ($CVR > 0.49$) و پایایی تحلیل‌ها با ضریب کاپای کوهن (۰.۷۶۶) تأیید شد. در بخش کمی، مدل استخراج‌شده با استفاده از پرسشنامه در جامعه‌ای شامل ۳۸۵ نفر شامل حسابرسان، مدیران مالی، کارشناسان گزارشگری و سیاست‌گذاران و با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos آزمون گردید و برازش مطلوب مدل با شاخص‌های ($CFI=0.900$ و $RMSEA=0.074$) اثبات شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که حذف صفرها، علی‌رغم ماهیت اسمی در تئوری‌های اقتصادی، پدیده‌ای «غیرخنثی» در حوزه حسابداری است. تحلیل آزمون فرضیات تأیید کرد که قوی‌ترین رابطه ساختاری میان «واحد اندازه‌گیری حسابداری» و «کاهش کیفیت گزارشگری مالی» ($r=0.899$) برقرار است. این نتیجه در تحلیل‌های کیفی نیز تکرار شد؛ به‌گونه‌ای که خبرگان تأکید داشتند در صورت عدم تعدیل دقیق ارقام مقایسه‌ای و فقدان یادداشت‌های توضیحی، قابلیت مقایسه‌پذیری و فهم صورت‌های مالی به شدت کاهش می‌یابد. همچنین، همبستگی مثبت و قوی میان «واحد اندازه‌گیری» و «افزایش ریسک تحریف» (۰.۷۷۹) نشان‌دهنده احتمال وقوع خطاهای تبدیل و اختلاط واحدهای پولی قدیم و جدید است که می‌تواند منجر به ارائه اطلاعات نادرست و در نتیجه، تصمیمات مدیریتی و سرمایه‌گذاری غلط گردد. یک دستاورد مهم این مطالعه، شناسایی و تأیید اثرات رفتاری و ادراکی بر استفاده‌کنندگان است. رابطه منفی و معنادار «آثار رفتاری» با «کیفیت گزارشگری»، مؤید وقوع پدیده «توهم پولی» است؛ به این معنا که تغییر مقیاس ارقام، تصویری ذهنی و نادرست از ثروت و عملکرد شرکت‌ها در ذهن کاربران غیرحرفه‌ای ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، تحلیل‌های آماری و کیفی نشان داد که موفقیت این سیاست پولی، تابعی از آمادگی زیرساخت‌های حسابداری و هماهنگی نهادی است. ناهماهنگی بین بانک مرکزی و سازمان حسابرسی در تدوین ضریب تبدیل، ریسک تجدید ارائه‌های مکرر را افزایش داده و با اصل تداوم فعالیت در تضاد است. در جمع‌بندی نهایی، این پژوهش تأکید می‌کند که گذار از یک واحد پولی به واحد دیگر، نیازمند یک «بسته اصلاحی جامع» است. پیشنهاد می‌شود مراجع استانداردگذار، چارچوب‌های افشای شفاف را برای تعدیل ارقام سنواتی تدوین کنند تا از تحلیل نادرست نسبت‌های مالی (مانند ROA و ROE) جلوگیری شود. همچنین، به‌روزرسانی سیستم‌های مالی و بازآموزی نیروی انسانی برای کاهش هزینه‌های تطبیق و ریسک تحریف الزامی است. این مطالعه با ارائه یک مدل ساختاری معتبر و تبیین ابعاد کیفی، چارچوبی علمی برای مدیریت ریسک‌های گزارشگری در بستر اصلاحات پولی فراهم آورد تا از پایایی اطلاعات و اعتماد ذینفعان در بازار سرمایه صیانت گردد.



- توسعه چارچوب افشای مالی؛ با توجه به اهمیت حفظ قابلیت مقایسه و فهم اطلاعات مالی، توصیه می‌شود شرکت‌ها و سازمان‌های مالی پیش از اجرای حذف صفرهای پولی، چارچوب افشای مالی جامعی تدوین کنند. این چارچوب شامل:
 - ارائه یادداشت‌های توضیحی در خصوص ضریب تبدیل، تعدیل ارقام سنواتی و تفاوت‌های مقیاس اسمی؛
 - افشای ریسک‌های ناشی از تغییر واحد پول و توضیح اثرات احتمالی بر نسبت‌ها و تحلیل‌های مالی؛
 - آموزش تحلیلگران و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی برای درک تغییرات ارقام.
 - اجرای این چارچوب سبب می‌شود که کاربران اطلاعات مالی بتوانند با اطمینان کافی، روندها و وضعیت مالی واقعی شرکت‌ها را تحلیل کنند و برداشت‌های نادرست کاهش یابد.
- تقویت زیرساخت‌ها و کنترل‌های داخلی؛ یافته‌ها نشان داد که موفقیت کاهش صفرهای پولی وابسته به زیرساخت‌های حسابداری و اثربخشی کنترل‌های داخلی است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود:
 - به‌روزرسانی نرم‌افزارها و سیستم‌های مالی (ERP) برای پشتیبانی از واحد پول جدید و تبدیل خودکار ارقام؛
 - آموزش جامع کارکنان و حسابداران برای ثبت صحیح تراکنش‌ها و محاسبات مرتبط با واحد جدید؛
 - تقویت کنترل‌های داخلی به‌ویژه در حوزه ثبت، گزارشگری و حسابرسی؛
 - تدوین دستورالعمل‌های عملیاتی هماهنگ با سیاست پولی.
 - این اقدامات به کاهش خطا، جلوگیری از تحریف اطلاعات و اطمینان بخشی به ذی‌نفعان کمک می‌کند.

پژوهشی؛

۱. بررسی تأثیر حذف صفرهای پولی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری؛ پژوهش‌های آتی می‌توانند به بررسی اثرات روانی و رفتاری حذف صفرهای پولی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و سهامداران بپردازند. هدف این مطالعات، تحلیل نحوه واکنش بازار به تغییر اسمی واحد پول و اثرات احتمالی بر اعتماد و تصمیم‌گیری اقتصادی است.

۲. تحلیل مقایسه‌ای کشورها و صنایع؛ پژوهش‌های بعدی می‌توانند تحلیل مقایسه‌ای میان کشورها و صنایع مختلف انجام دهند تا مشخص شود کدام نوع زیرساخت‌های حسابداری و کنترل داخلی، بیشترین کارایی را در کاهش خطا و افزایش کیفیت گزارشگری مالی در شرایط کاهش تعداد صفرهای واحد پولی دارند. این مطالعات می‌توانند به تدوین الگوهای عملیاتی و استانداردهای بهتر برای پیاده‌سازی سیاست حذف صفرهای پولی کمک کنند.

دسترس‌ی به داده

- داده‌های استفاده شده یا تولید شده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است

تعارض منافع نویسندگان

- نویسندگان این مقاله اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.



- احمدی، ف. (۱۳۹۳). حذف صفرهای پول ملی. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۴ (۳ و ۴)، ۵-۴۳. [fa/211756/https://www.sid.ir/paper](https://www.sid.ir/paper/fa/211756)
- اسکندری پسین، ع. ا.، حاجی پور، م. و علوی هشتجین، س. م. ت. (۱۴۰۲). ماهیت پول و کارکردهای حقوقی آن در نظام قضائی و بانکی ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۸ (۱۰۴)، ۲۲-۱. <https://doi.org/10.22034/jvi/1072034>
- خادم‌الحسینی، س. و امیرحسینی، ز. (۱۳۹۷). استقلال، اختیار تصمیم‌گیری مدیران و عملکرد مالی. راهبرد مدیریت مالی، ۶ (۴)، ۱۷۷-۲۰۰. [jfm/1072051/https://doi.org](https://doi.org/10.22034/jfm/1072051)
- رجائی، س. م. ک.، فراهانی فرد، س. و مختاریند، م. (۱۳۹۹). بررسی نظری اثر ابزارهای سیاست پولی بر توزیع درآمد از دیدگاه اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۲۰ (۸۰)، ۵۱-۸۰. <https://doi.org/10.22034/ie/1072034>
- رفیعی قره‌شیران، ث.، امامی، ک. و غفاری، ف. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل تأثیرگذار سیاست‌های پولی بر سیستم بانکی. مدل‌سازی اقتصادی، ۱۳ (۴۶)، ۱-۲۴. [emj/10720495/https://doi.org](https://doi.org/10.22034/emj/10720495)
- مهربانی، و. (۱۳۸۹). تأثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران. فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ۴۵ (۱)، ۲۰۷-۲۲۷. [1072039.227-207](https://doi.org/10.22034/1072039)
- نیکیخت، م. ر. و رفیعی، ا. (۱۳۹۱). تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران. مجله دانش حسابداری، ۹ (۳)، ۱۶۷-۱۹۴. [jak/1072103/https://doi.org](https://doi.org/10.22034/jak/1072103)

Reference ■

- Ahmadi, F. (2014). Hazf-e sefrhaye pul-e melli [Removing zeros from the national currency]. Majalleh-ye Eghtesadi (Bimonthly Review of Economic Issues and Policies), 14(3-4), 43-50. <https://www.sid.ir/paper/211756/fa> (In Persian)
- Barth, M. E. (2021). Financial reporting transparency, valuation and the role of accounting standards. The Accounting Review, 96(4), 45-68. <https://doi.org/10.2308/TAR-2020-0524>
- Barth, M. E., Landsman, W. R., & Lang, M. H. (2008). International accounting standards and accounting quality. Journal of Accounting Research, 46(3), 467-498. <https://doi.org/10.1111/j.1475-679X.2008.00287.x>
- Bernanke, B. S. (2022). 21st Century Monetary Policy: The Federal Reserve from the Great Inflation to COVID-19. W. W. Norton & Company. <https://doi.org/10.1017/S001301172200021X>
- Deegan, C. (2017). Financial accounting theory (4th ed.). McGraw-Hill Education. <https://doi.org/10.4324/9781315889379>
- Dumas, B., Lewis, K. K., & Osambela, E. (2022). Multicurrency economy and the monetary unit of account. Journal of Economic Theory, 200, 105-132. <https://doi.org/10.1016/j.jet.2021.105400>
- Edwards, S. (2022). Exchange rate regimes, inflation, and monetary policy in emerging markets. National Bureau of Economic Research (NBER). <https://doi.org/10.3386/w30456>
- Eichengreen, B. (2008). The real exchange rate and economic growth. Commission on Growth and Development Working Paper, later published in World Bank Economic Review. <https://doi.org/10.1093/wber/lln005>
- Eskandari Pesyan, A. A., Hajipour, M., & Alavi Hashtjin, S. M. T. (2024). Mahiyat-e pul va karkardhaye hoghghu-ye an dar nezam-e ghazaei va banki-ye Iran [The nature of money and its legal functions in the judicial and banking system of Iran]. Faslnameh-ye Didgahhaye Hoghgh-e Ghazayi, 28(104), 1-22. <https://doi.org/10.22034/jlvi.2024.2002890.1006> (In Persian)
- Gnan, E., & Valderrama, M. T. (2012). The impact of currency changes on accounting and reporting. Journal of Accounting and Public Policy, 31(3), 290-305. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2011.11.002>
- Iyoha, F. O., & Oyerinde, D. (2010). Accounting infrastructure and accountability in the management of



public expenditure in developing countries. *Critical Perspectives on Accounting*, 21(5), 361–373. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2009.06.002>

- Khadem Al-Hosseini, S., & Amir Hosseini, Z. (2018). Esteghlal, ekhtiyar-e tasmimgiri-ye modiran va amalcard-e mali [Managerial independence, decision-making authority, and financial performance]. *Rahbord-e Modiriyat-e Mali*, 6(4), 177–200. <https://doi.org/10.22051/jfm.2018.19068.1596> (In Persian)
- Klemperer, P. (2021). Switching costs and network effects in monetary regimes. *Journal of Industrial Economics*, 69(3), 515–543. <https://doi.org/10.1111/joie.12260>
- Mehrabani, V. (2011). Tasirpaziri-ye tabaghat-e ejtemaei az tavarrom dar Iran [The impact of inflation on social classes in Iran]. *Faslnameh-ye Tahghighat-e Eghtesadi*, 45(1), 207–227. 20.1001.1.00398969.1389.45.1.10.1 (In Persian)
- Mosley, L. (2005). Dropping zeros, gaining credibility? Currency redenomination in developing nations. *Economic Policy*, 20(44), 535–567. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0327.2005.00145.x>
- Mosley, L. (2020). *Money and credibility: Redenomination in the 21st century*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511491764>
- Nikbakht, M. R., & Rafiei, A. (2012). Tadvin-e olgu-ye avamel-e moasser bar tajdid-e eraeh-ye surat-haye mali dar Iran [Developing a model of factors affecting financial statement restatements in Iran]. *Majalleh-ye Danesh-e Hesabdari*, 3(9), 167–194. <https://doi.org/10.22103/jak.2012.120> (In Persian)
- Obstfeld, M. (2023). International monetary systems and the neutrality of digital units. *Annual Review of Economics*, 15, 231–258. <https://doi.org/10.1146/annurev-economics-082222-024531>
- Prasad, E. S. (2021). *The Future of Money: How the Digital Revolution is Transforming Currencies and Finance*. Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/9780674269422>
- Rafiei Gharehshiran, S., Emami, K., & Ghaffari, F. (2019). Shenasaee-ye avamel-e tasirgozar-e siyasathaye puli bar system-e banki [Identifying the factors affecting monetary policies in the banking system]. *Modelsazi-ye Eghtesadi*, 13(46), 1–24. <https://doi.org/10.30495/emj.2019.668102> (In Persian)
- Rajaei, S. M. K., Farahanifard, S., & Mokhtarband, M. (2020). Barrasi-ye nazari-ye asar-e abzarhaye siyasat-e puli bar tozi-e daramad az didgah-e eghtesad-e Eslami [A theoretical study of the effects of monetary policy instruments on income distribution from the perspective of Islamic economics]. *Eghtesad-e Eslami*, 20(80), 51–80. <https://doi.org/10.22034/ie.2020.241517> (In Persian)
- Reinhart, C. M., & Rogoff, K. S. (2023). *Financial cycles and the suppression of inflation data*. Princeton University Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctv16qk4jt>
- Sargent, T. J. (1982). *The ends of four big inflations. Inflation: Causes and Effects*, University of Chicago Press. <https://doi.org/10.3386/w1586>
- Shiller, R. J. (2023). *Narrative Economics: How stories go viral and drive major economic events* (Updated Ed.). Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9780691189970>
- Taylor, J. B. (2021). Expectations, Rules, and the Shift in Monetary Regimes. *Journal of Monetary Economics*, 117, 854–867. <https://doi.org/10.1016/j.jmoneco.2020.07.003>

